بخش اول – وفای به عهد

۱. وفای به عهد .....

۱. ایقاعی است که با اراده داین صورت می گیرد .

۲. ایقاعی است که با اراده مدیون صورت می گیرد .

۳. عقدی است که با توافق داین و مدیون صورت می گیرد .

۴. ماهیتی مستقل از عقد یا ایقاع دارد .

گزینه ۲ ، وفای به عهد عمل حقوقی از نوع ایقاع است که با اراده مدیون یا بدهکار صورت می گیرد و به همین دلیل اهلیت متعهَّدٌلَه یا طلبکار درآن شرط نیست . شماره ۳ ، ص ۲۱ و ۲۲ سقوط تعهدات .

۲. در وفای به عهد اهلیت و اراده ..... شرط .....

۱. متعهد – است . ۲. متعهَّدٌ لَه – نیست .

۳. متعهد و متعهَّدٌ لَه – است . ۴. موارد ۱ و ۲

گزینه ۴ ، چون وفای به عهد تنها با اراده مدیون یا بدهکار صورت می گیرد، اهلیت متعهَّدٌلَه یا طلبکار در وقوع آن یا دریافت مورد تعهد شرط نیست . شماره ۳ ، ص ۲۱ و ۲۲ سقوط تعهدات .

۳. درخصوص اهلیَّت متعهدله برای قبض مورد تعهد، کدام مورد صحیح است ؟ (فراگیر پیام نور۹۶)

۱. ازآن جهت لازم است که متعهَّدٌلَه فاقد اهلیت، اراده معتبر و لازم برای عمل حقوقی وفای به عهد را ندارد

۲. از آن جهت لازم است که متعهَّدٌلَه فاقد اهلیت، صلاحیت تصرف دراموال خود را ندارد .

۳. درصورتی که موردِ تعهد، عین معین باشد؛ اهلیت متعهَّدٌلَه در قبض آن شرط نیست .

۴. صرفاً در صورتی که موردِ تعهد، عین معین نباشد، اهلیت متعهَّدٌلَه در قبض آن شرط است .

گزینه ۲ ، ماده ۲۷۴ ق.م . گزینه های ۳ و ۴ نادرست است زیرا اگر ایفای تعهد موجب تملیک یا انتقال حقی نباشد صرفاً یک عمل قضایی است که اراده انشایی متعهد را نمی خواهد مانند تسلیم عین معیَّن انتقال داده شده به خریدار ولی اگر عین کلی باشد چون هنوز تملیک به اتمام نرسیده است و با تسلیم به اتمام می رسد نیاز به اهلیت دارد. آنچه در سوال آمده اهلیت متعهَّدٌلَه در قبض مورد تعهد است باید دانست که اساساً اهلیت متعهَّدٌلَه لازم نمی

باشد زیرا وفای به عهد ایقاعی است که اهلیت متعهد در آن شرط است (سقوط تعهدات، ص ۲۱، ش ۳) گزینه ۱ هم اشتباه هستند زیرا اساساً اهلیت متعهدٌ لَه لازم نیست چون متعهد برای وفای به عهد باید اراده و اختیار داشته باشد .

۴. درصورتیکه ایفای تعهد باعث تملیک مال یا انتقال حقی نباشد ...

۱. عمل حقوقی است و اراده و اهلیت متعهد در آن شرط است .

۲. عمل قضایی است و اراده و اهلیت متعهد در آن شرط نیست .

۳. نوعی قرارداد محسوب است و رضایت متعهدله هم در آن شرط است .

۴. ماهیتی مستقل از قرارداد یا ایقاع دارد .

گزینه ۲ شماره سوم کتاب سقوط تعهدات

۵. در وفای به عهد ...

۱. اصولا اهلیت متعهد شرط است .

۲. اهلیَّت متعهدٌ لَه شرط نیست .

۳. اگر تعهد به قید مباشرت متعهد باشد و ثالث بخواهد آنرا انجام دهد باید متعهدٌ لَه رضایت و اهلیت داشته باشد .

۴. تمام موارد فوق

گزینه ۴ ، شماره ۳۷ سقوط تعهدات .

۶. ماده ۲۸۲ ق.م مقرر می دارد : « اگرکسی به یک نفر دیون متعدده داشته باشد، تشخیص اینکه تادیه از بابت کدام دین است، با مدیون است.» با توجه به ماده مزبور، اراده مدیون درچه زمانی ملاک است؟ (فراگیر پیام نور۹۶)

۱. زمان تادیه اگر دیون مساوی نباشند.

۲. زمان تادیه

۳. هر زمان پس از تادیه

۴. زمان پاسخگویی به دعوای طلبکار

گزینه ۳ ، در اختیار مدیون در تعیین اینکه تادیه بابت کدام دین است چند نکته وجود دارد :

۱. اگراین اختیار زمان تادیه اعمال نشود بعداً هم قابل اعمال است (بر خلاف نظر دکترکاتوزیان که باید هنگام تادیه اعمال شود- یادداشت ۴ ماده ۲۸۲)

۲. دیون همگی از یک جنس واحد باشند و متعهد تعیین کند بابت کدام دین است و نمی تواند متعهدله را به قبول غیر مورد تعهدش اجبار کند مگر با نهاد تبدیل تعهد و رضایت او .

۳. حال یا موجل بودن دیون فرقی ندارد .

۴. دیون مساوی باشند بنابراین اگر یکی کمتر و دیگری بیشتر باشند و معادل دین کمتر پرداخت شود؛ تمام دین کمتر تادیه می شود به دلیل ماده ۲۷۷ ق.م و نمی تواند متعهد له را قبول قسمتی از دین بیشتر الزام نماید مگر با رضایت او . بنابراین گزینه ۱ اشتباه است زیرا اگر دیون غیرمساوی باشند مدیون نه درزمان تادیه نه بعد ازآن چنین اختیاری ندارد و تنها گزینه ۳ صحیح است ولی بهتر بود در پاسخ اینگونه بیان می شد : « **هر زمان حتی پس از تادیه** » این اختیار قابل اعمال است.

۷. درخصوص محل اجرای تعهد، کدام مورد مطابق حقوق فرانسه است ؟ (فراگیر پیام نور۹۶)

۱. اگرموضوع تعهد عین معین باشد، محل اجرا همواره محلی است که آن عین معین، هنگام عقد در آنجا بوده است.

۲. درصورت عدم توافق، تعهد باید در محل وقوع عقد اجرا شود .

۳. درصورتی که موضوع تعهد، عین معین نباشد محل اجرای تعهد اصولاً محل اقامت متعهد است .

۴. درصورت محکومیت قضایی شخص به پرداخت نفقه، نفقه باید درمحل اقامتگاه نفقه دهنده تسلیم شود.

گزینه ۱ ، طبق ماده ۱۲۴۷ ق.م فرانسه محل ایفای تعهد در حقوق فرانسه :

الف- اگرموضوع تعهد عین معین باشد در محلی که آن عین، هنگام عقد آنجا بوده است .

ب- اگرموضوع تعهد، نفقه باشد در محل اقامت نفقه گیرنده پس گزینه ۴ اشتباه است .

ج- اگرموضوع تعهد عین معین نباشد و اگرموضوع تعهد، نفقه نباشد اصولاً در اقامتگاه متعهد اجرا می شود . در گزینه ۳ به « نفقه» اشاره نشده است و به طور کلی محل اقامت متعهد را ملاک قرار داده است و از بین گزینه ها مورد اول از همه صحیح تر می باشد . (سقوط تعهدات، ش ۳۱، صص ۵۲ و ۵۳)

۸. درصورتی که شخص ثالثی، فضولتاً فردی از مصادیق کلیِ موردِ تعهد را از متعهد، قبض کند؛ حکم قضیه چیست ؟ (فراگیر پیام نور۹۶)

۱. درصورتی که قبض ثالث با رضایت متعهَّدٌ لَه بوده است، ذمه او بری می شود.

۲. مادامی که متعهَّدٌ لَه قبض مورد تعهد توسط ثالث را رد نکرده باشد، متعهد حق استرداد آنرا ندارد.

۳. متعهد می تواند قبل یا بعد از رضایت متعهَّدٌ لَه نسبت به قبضِ مزبور، آنرا از گیرنده استرداد کند.

۴. متعهد می تواند پیش از رضایت متعهَّدٌ لَه نسبت به قبضِ مزبور، آنرا از گیرنده استرداد کند .

گزینه ۴ ، شماره ۴۵ کتاب سقوط تعهدات . طبق نظر مولف کتاب سقوط تعهدات :

۱. قبض دادن مورد تعهد توسط متعهد عقد جدید نیست بلکه اجرای تعهدی است که قبلا واقع شده است .

۲. معلوم بودن مال مورد تعهد در زمان انشای عقد لازم نیست بلکه در «زمان اجرای تعهد» لازم است زیرا قصد انشا همان زمان انتقال لازم بوده است نه هنگام اجرای تعهد .

۳. برای وفای به عهد فقط اراده متعهد لازم است نه اراده متعهَّدٌ لَه .

۴. قبض دادن متعهد کافی است حتی اگر متعهَّدٌ لَه عملاً آنرا اقباض نکرده باشد طبق ماده ۳۶۸ ق.م

۵. در بیع کلی تملیک با « تسلیم فرد» صورت می گیرد و اراده متعهد برای تعیین مصداق فرد کلی و تحویل آن لازم است و اراده متعهَّدٌ لَه لازم نیست .

۶. درباره پرداخت به اشخاصی که قانوناً حق قبض ندارند اگر مالک رضایت دهد ایفای تعهد از «هنگام رضایت» محقق می شود نه زمان تسلیم زیرا قابل قیاس با فرض استثنایی ماده ۲۵۸ ق.م نیست .

۷. اگر ثالث بدون رضایت متعهَّدٌ لَه یا طلبکار، مورد تعهد کلی را از متعهد قبض نماید متعهد می تواند قبل از رضایت متعهَّدٌ لَه آنرا مسترد دارد زیرا قبل رضایت متعهَّدٌ لَه هنوز قبض حقیقی محقق نشده است .

۹. دلیل اصلی این امر که عقد معلق با تعلیق در انشاء باطل است؛ چیست ؟ (فراگیر پیام نور۹۴ نوبت دوم)

۱. تعلیق درانشاء، محال است .

۲. درصورت تعلیق در انشاء، قصد انشاء وجود ندارد .

۳. قانون مدنی ایران در ماده ۱۸۹ ق.م صرفاً معلق بودن اثر عقد را پذیرفته است .

۴. قانون مدنی ایران در ماده ۱۸۹ ق.م صرفاً معلق بودن تاثیر عقد را پذیرفته است .

گزینه ۲ ، سقوط تعهدات شماره ۳۳ و حقوق تعهدات شماره ۷ . گزینه ۲ ، سقوط تعهدات شماره ۳۳ و حقوق تعهدات شماره ۷ . تعلیق در انشا یا ایجاد عقد سبب بطلان است ولی تعلیق در مُنشا طبق ماده ۱۸۹ ق.م صحیح است **زیرا وقتی اساس انشای عقد و تشکیل آن منوط به امری دیگر می شود اساساً قصدی برای ایجاد آن متصور نیست و به استناد بند ۱ ماده ۱۹۰ ق.م باطل است** ولی در تعلیق در مُنشا، قصد و اراده انشایی وجود دارد ولی ماهیت یا وجود عقد منوط به امری احتمالی، خارجی، مربوط به آینده شده است مثلا ماشیتم را فروختم به شرط اینکه فردا برادرم از سفر برگردد . در تعلیق در منشاء معمولا با صیغه ماضی مانند فروختم یا خریدم بکار می رود ولی در تعلیق در انشاء با صیغه مستقبل یا آینده مانند خواهم فروخت یا خواهم خرید. همچنین تعلیق در اثر عقد نیز صحیح است .

۱۰. متعهدی، مال غیر را به عوض مال خود، به متعهدله تسلیم می کند. برای استرداد آن مال از گیرنده، مطابق قانون باید فقدان کدام اذن مالک را ثابت کند ؟ (فراگیر پیام نور۹۴ نوبت اول)

۱. اذن درتصرف پیشین و اذن در تادیه ۲. اثبات عدم مالکیت خودش، کافی است

۳. اذن در تصرف پیشین ۴. اذن در تادیه

گزینه ۱، ماده ۲۷۰ ق.م

۱۱. اگرمدت خیارفسخ معلوم نباشد، به ترتیب شرط و عقد چه حکمی دارند ؟ (فراگیر پیام نور۹۶)

۱. صحیح – صحیح ۲. باطل – صحیح

۳. صحیح و منصرف به مدت متعارف- صحیح ۴. باطل – باطل

گزینه ۴ ، ماده ۴۰۱ ق.م چنین عقدی به دلیل احادیث پیامبر مربوط به نهی از بیع غرری باطل می باشد .

۱۲. ایفای دین از جانب غیرمدیون .....

۱. همیشه باطل است . ۲. همیشه جایز است .

۳. درصورت عدم قید مباشرت مدیون، جایز است .

۴. درصورت قید مباشرت مدیون، جایز است .

گزینه ۳ ، شماره ۹ سقوط تعهدات و ماده ۲۶۷ ق.م

۱۳. طبق نظر مرحوم دکتر شهیدی مولف کتاب سقوط تعهدات ...

۱. در بیع کلی تملیک با « تسلیم فرد» صورت می گیرد و تنها اراده متعهد برای تعیین مصداق فرد کلی و تحویل آن لازم است و اراده متعهَّدٌ لَه لازم نیست .

۲. قبض دادن مورد تعهد توسط متعهد عقد جدیدی است که نیاز به اراده انشایی دارد .

۳. قبض دادن متعهد کافی نیست بلکه متعهَّدٌ لَه نیز باید آنرا اقباض کرده باشد .

۴. تمام موارد فوق .

گزینه ۱ ، شماره ۴۵ کتاب سقوط تعهدات .

۱۴. ماده ۲۷۱ ق.م مقرر می دارد : « دین باید به شخص دائن یا به کسی که از طرف او وکالت دارد، تادیه گردد یا به کسی که قانوناً حق قبض دارد » اگر دین به اشخاصی غیر از موارد مندرج در این ماده، پرداخت گردد و مالک به این پرداخت رضایت دهد ، رضایت مالک سبب ایفای تعهد از ..... می گردد .

۱. هنگام انتقال ۲. هنگام تسلیم

۳. هنگام رضایت ۴. موارد ۲ و ۳

گزینه ۳ ، رضایت مالک در این گونه موارد سبب ایفای تعهد از هنگام رضایت می گردد نه زمان تسلیم زیرا این مورد با ماده ۲۵۸ ق.م که از نظر کشف حکمی به طور استثنایی تبعیت شده، قابل قیاس نیست .در اعمال حقوقی اصولاً اثر هرچیز از جمله رضا نسبت به آینده است و به گذشته تسری ندارد .

۱۵. دعوای استرداد مال تادیه شده پس از وفای به عهد درصورتی مسموع است که متعهد ثابت نماید ...

۱. مال غیر بوده که با مجوز قانونی در تصرف بوده و اذن در تادیه هم نداشته است.

۲. مال غیر بوده که بدون مجوز قانونی در تصرف بوده و اذن در تادیه هم نداشته است .

۳. مال متعهد بوده که بدون مجوز قانونی در تصرف غیربوده و اذن در تادیه هم نداشته است.

۴. مال متعهد بوده که بدون مجوز قانونی در تصرف بوده و اذن در تادیه هم داشته است.

گزینه ۲ ، ماده ۲۷۰ ق.م

۱۶. تعلیق در انشاء عقد ..... و تعلیق در مُنشاء آن ..... است .

۱. باطل – صحیح ۲. صحیح – باطل

۳. باطل – باطل ۴. صحیح – صحیح

گزینه ۱ ، شماره ۳۳ کتاب سقوط تعهدات .

۱۷. توقیت انحلال عقد نقطه مقابل ..... است .

۱. توقیت تشکیل عقد ۲. اقاله معلق به شرط

۳. حق فسخ معلق ۴. شرط انفساخ عقد

گزینه ۱ ، شماره ۳۵ کتاب سقوط تعهدات .

۱۸. تعلیق بطلان عقد در حقوق ایران ..... و در حقوق فرانسه ..... است .

۱. صحیح – باطل ۲. باطل – صحیح

۳. صحیح – صحیح ۴. باطل – باطل

گزینه ۲ ، شماره ۳۶ کتاب سقوط تعهدات .

۱۹. وفق نظر مولف کتاب سقوط تعهدات، شخصی که مالی را به دیگری پرداخته است ...

۱. اصولاً وفق ظاهر ماده ۲۶۵ ق.م می تواند آنرا مسترد دارد مگر دارنده مال، استحقاق خود را بر مال اثبات نماید .

۲. نمی تواند آنرا مسترد دارد مگر با ارائه دلیلی که استرداد مال را توجیه نماید .

۳. ظاهر پرداخت دلالت بر مدیونیت او دارد بنابراین اصولاً نمی تواند آنرا مسترد دارد .

۴. اصولاً وفق ظاهر ماده ۲۶۵ ق.م می تواند آنرا مسترد دارد ولی طبق اماره تصرف موظف به ارائه دلیلی است که استرداد مال را توجیه نماید .

گزینه ۴ ، شماره چهار کتاب سقوط تعهدات و ماده ۲۶۵ ق.م .

۲۰. طبق نظر مولف کتاب سقوط تعهدات، معلوم بودن مال مورد تعهد در ..... لازم است .

۱. هنگام انشای عقد ۲. هنگام اجرای تعهد

۳. هریک از زمان انشای عقد یا اجرای تعهد ۴. هر دو زمان انشای عقد و اجرای تعهد

گزینه ۲ ، معلوم بودن مال مورد تعهد در زمان انشای عقد لازم نیست بلکه در «**زمان اجرای تعهد**» لازم است زیرا قصد انشا فقط همان زمان انتقال لازم بوده است نه هنگام اجرای تعهد .

۲۱. اگر درقرارداد هبه شرط شود چنانچه ظرف یکسال متهب فوت نماید قرارداد هبه منفسخ گردد ...

۱. شرط و عقد باطل است .

۲. شرط فاسخ تعلیقی و باطل ولی عقد صحیح است .

۳. تعلیق انفساخ عقد و شرط و عقد صحیح است .

۴. شرط باطل ولی عقد صحیح و مشروطٌ له حق فسخ دارد .

گزینه ۳ ، شماره ۳۵ کتاب سقوط تعهدات .

۲۲. شرط فاسخ شرطی است که درصورت تحقق ... (وکالت ۱۳۸۷)

۱. عقد خود به خود منحل می شود .
۲. بوسیله حکم دادگاه عقد فسخ می شود .
۳. برای شخص ثالث مورد توافق طرفین حق فسخ ایجاد می کند .
۴. برای مشروط له حق فسخ ایجاد می کند .

گزینه ۱ ؛ حاشیه ۲ ماده ۱۸۹ قانون مدنی در ... شرط فاسخ تعلیقی یا شرط انفساخ یا تعلیق در انفساخ یا تعلیق در انحلال شرطی است که به مجرد تحقق آن، عقد به خودی خود و بدون احتیاج به اقدامی دیگر منفسخ می شود . البته به نظر مرحوم شهیدی ترجمه درست آن « تعلیق در انفساخ » می باشد. مثلاً شرط شود در صورت برگشت خوردن هریک از چکهای خریدار بابت ثمن، عقد منفسخ می شود . این شرط به استناد مواد ۱۰ و ۲۳۳ (اصل صحّت) و ۲۳۶ ق.م و قاعده المومنون عند الشروطهم نافذ است.(ش ۳۵، صص ۵۶ تا ۵۸ کتاب سقوط تعهدات) برای ملاحظه تفاوت های شرط فسخ و فاسخ مراجعه شود به کتاب : محمد خاکباز، عدالت معاوضی و قاعده موازنه، ج۲)

۲۳. اگر طرفین عقد برای مکان ایفای تعهدات در قرارداداشان سکوت کرده باشند و عرف مسلمی هم در این باره وجود نداشته باشد و عقد درمکان ثابتی واقع نشده باشد مانند اینکه قرارداد در داخل هواپیما بین دو تاجر منعقد شده باشد در این صورت محل وفای به عهد ..... است .

۱. اقامتگاه متعهد ۲. اقامتگاه متعهَّدٌلَه

۳. متعهد، مختار در انتخاب اقامتگاه خود یا طرف مقابل است به استناد اصل برائت .

۴. متعهد، مختار در انتخاب اقامتگاه خود یا طرف مقابل است به استناد اصل تخییر.

گزینه ۳ ، شماره ۲۹ کتاب سقوط تعهدات . در این گونه موارد بدیهی است که محل وقوع عقد که در آسمان یکی از شهرها یا کشورها بوده ملاک نیست و همچنین چون قرارداد ساکت بوده به اصول عملیه رجوع می کنیم(الاصل دلیل حیث لادلیل) و ذمه متعهد از مازاد بری می شود (اصل برائت ذمه متعهد از مازاد در اقل و اکثر استقلالی) و او مختار در اجرای تعهد در اقامتگاه خود یا طرف مقابل می باشد .

۲۴. طبق نظر مولف کتاب سقوط تعهدات زمان تملیک در بیع عین معین ..... و در بیعِ کلی ..... است .

۱. به مجرد عقد – بعد تعیین مصداق یا تسلیم فرد ۲. به مجرد عقد – بعد تسلیم فرد

۳. به مجرد عقد – به مجرد عقد ۴. بعد تسلیم فرد - بعد تسلیم فرد

گزینه ۲ ، گزینه ۴ ، شماره ۴۵ کتاب سقوط تعهدات وبند ۱ ماده ۳۶۲ و ماده ۳۷۴ ق.م . در بیع عین معین به مجرد عقد، خریدار مالک مبیع می شود ولی در بیع کلی انتقال مالکیت بعد از « تسلیم فَردی از افراد کلی » مالکیت منتقل می شود . بند ۱ ماده ۳۶۲ ق.م و قاعده « المبیع یُملَکُ بِالعَقد» مخصوص عین معین می باشد .

۲۵. دلیل بطلان عقد مشروطی که درآن خیار شرط درج شده و مدت خیار مجهول است؛ چیست؟

۱. مجهول بودن مورد معامله

۲. مصداق شرط مجهولی می باشد که جهل به آن موجب جهل به عوضین است .

۳. احادیث مربوط به بطلان بیع غرری

۴. مورد ۱ و ۲

گزینه ۳ ، نظر اکثریت فقها و حقوقدانان آنست که دلیل بطلان چنین عقدی در ماده ۴۰۱ق.م، به دلیل مجهول بودن مورد معامله و تزلزل در مالکیت خریدار و فروشنده است زیرا معلوم نیست تا چه زمانی شخص حق فسخ دارد و ارزش واقعی مبیع یا ثمن در طول زمان کم یا زیاد می شود و مصداق بند ۲ ماده ۲۳۳ ق.م می باشد ولی وفق نظر مرحوم دکتر شهیدی و بر خلاف نظر اکثریت فقها و حقوقدانان دلیل بطلان چنین عقدی احادیث مربوط به بطلان بیع غرری که منتسب به پیامبر (ص) می باشد زیرا ضرر احتمالی خریدار یا فروشنده با فسخ به استناد خیارغبن رفع می شود (ماده ۴۱۶ق.م) و نیازی به بطلان نیست و تنها مبنای بطلان آن احادیث مربوط به بطلان بیع غرری می باشد . نظیر نهی النبی عن بیع الغَرَر .

۲۶. عقد مُعَلَّق که مدت تحقق معلقٌ علیه یا شرط تعلیقی آن نامعلوم است ..... می باشد .

۱. صحیح ۲. باطل ۳. غیرنافذ ۴. قابل فسخ

گزینه ۲ ، عقد معلق که مدت تحقق معلقٌ علیه یا شرط تعلیقی آن نامعلوم است؛ باطل می باشد همان طور که عقد مشروطی که مدت خیار در آن نامعلوم است، در ماده ۴۰۱ ق.م باطل اعلام شده است . سقوط تعهدات، شماره ۳۵، ص ۶۳ .

۲۷. مطابق نظریه « تخلیه اسکناس» مرحوم شهیدی کدام عبارت صحیح نیست :

۱. اوراق اسکناس به طور مسامحه پول خوانده می شود .
۲. دو اسکناس موجود با هم وحدت موضوع ندارند .
۳. ارزش اسکناس در طول زمان تخلیه می شود .
۴. دریافت خسارت تاخیر تادیه نوعی ربا تلقی می شود .

گزینه ۴، اوراق اسکناس « پول » در معنای دقیق حقوقی نیستند بلکه نماینده ارزش پول است که ارزش آن در طول زمان تخلیه می شود و بنابراین دریافت خسارات تاخیر تادیه به هیچ وجه ربا تلقی نمی شود بلکه ارزش پولی است که در طل زمان تخلیه شده است . (ش ۴۶ ص ۹۳ تا ۹۸ کتاب)

بخش دوم – تستهای اقاله

۱. ماهیت حقوقی اقاله ..... است .

۱. عقد ۲. ایقاع

۳. عقدی که تابع قواعد عمومی قراردادها نیست .

۴. ماهیت حقوقی مستقلی دارد .

گزینه ۴ ، اگر چه در اقاله تراضی طرفین لازم است ولی نمی توان آنرا عقد در معنای خاص و دقیق حقوقی با تمام شرایط اختصاصی آن دانست. (شماره ۵۸ کتاب سقوط تعهدات، صص ۱۱۳ و ۱۱۴)

۲. کدام مورد در خصوص اقاله، صحیح است ؟ (فراگیر پیام نور ۹۶)

۱. نیاز به قصد انشای طرفین دارد .

۲. موضوع آن همان عقدی است که اقاله نسبت به آن واقع می شود.

۳. رعایت تمامی شرایط اساسی عقد در آن لازم است .

۴. به صرف رضایت طرفین واقع می شود .

گزینه ۱ ، نکته اول اقاله چون با توافق طرفین عقد واقع می شد احتیاج به قصد و اراده طرفین دارد . نکته دوم موضوع اقاله دو چیز می تواند باشد : الف- همان عقدی است که اقاله نسبت به آن واقع می شود. ب- قطع آثار تعهدات عقدی است که اجرا شده است . پس گزینه ۲ کامل نیست. نکته سوم اگر چه در اقاله تراضی طرفین لازم است ولی تمام احکام قراردادها در آن جریان ندارد مثلا خود اقاله قابل فسخ یا اقاله نیست پس گزینه ۳ صحیح نیست .

نکته چهارم ماده ۱۹۱ ق.م در اقاله جریان دارد یعنی صرف ابراز اراده لازم نیست بلکه اراده باید به وسیله ای متعارف ابراز شود پس گزینه ۴ اشتباه است و تنها گزینه ۱ صحیح می باشد . (شماره ۵۸ کتاب سقوط تعهدات، صص ۱۱۳ و ۱۱۴)

۳. اقاله اکراهی ..... است .

۱. باطل ۲. غیرنافذ ۳. قابل فسخ ۴ . صحیح

گزینه ۱ ، اقاله اکراهی باطل است و قابل قیاس با عقد اکراهی که غیرنافذ است؛ نخواهد بود . (شماره ۶۰ کتاب سقوط تعهدات، ص ۱۱۵)

۴. اقاله صورت گرفته توسط محجورین چه حکمی دارد ؟

۱. اقاله توسط صغیرغیرممیِّز و مجنون، باطل و اقاله توسط صغیرممیز وسفیه، غیرنافذ است .

۲. اقاله توسط صغیرغیرممیِّز و مجنون، غیرنافذ و اقاله توسط صغیرممیز وسفیه، باطل است .

۳. اقاله توسط محجورین به طور کلی باطل است .

۴. اقاله توسط محجورین به طور کلی غیرنافذ است .

گزینه ۳ ، اقاله محجورین به طور کلی باطل است و قابل قیاس با عقد محجورین نیست . در خصوص قراردادهای صغیرغیرممیِّز و مجنون، باطل و صغیرممیز وسفیه، غیرنافذ است . (شماره ۶۱ کتاب سقوط تعهدات، ص ۱۱۶)

۵. کدامیک از اقاله های زیر باطل نیست ؟

۱.اقاله نکاح ۲. اقاله وقف ۳. اقاله خود اقاله ۴. اقاله ضَمان

گزینه ۴ ، هر سه مورد ۱ و ۲ و ۳ باطل می باشند ولی اقاله ضمان نقل ذمه « غیرنافذ » و منوط به تنفیذ مضمونٌ عَنه یا بدهکار است .

۶. اگر مال موضوع عقد، قیمی باشد و تلف شود؛ بعد از اِقاله قیمت ..... پرداخت می شود.

۱. زمان اِقاله ۲. زمان تلف ۳. زمان عقد ۴. بالاترین قیمت

گزینه ۱ ، ماده ۲۸۶ق.م. اگر مال موضوع عقد، قیمی باشد و تلف شود؛ بعد از اقاله قیمت زمان اقاله پرداخت می شود زیرا همین بها در ذمه انتقال گیرنده قرار می گیرد .(ش ۹۶، ص ۱۲۲ و ۱۲۳ سقوط تعهدات) و همان روز زمان مبادله عِوَضین است .

۷. اختیارِ اِقاله عقد، قابل انتقال .....

۱. قهری به وراث یا قراردادی نمی باشد چون حق قائم به شخص است .

۲. قهری به وراث یا قراردادی نمی باشد چون حکم تاسیسی است .

۳. قهری به وراث نیست ولی قابل انتقال ارادی می باشد چون حق قائم به شخص است.

۴. قهری به وراث نیست ولی قابل انتقال ارادی می باشد چون حکم تاسیسی است.

گزینه ۲ ، مواد ۲۸۳ و ۴۴۵ ق.م. اقاله حکم تاسیسی و مختص خود طرفین عقد است و قال هیچ گونه انتقالی نمی باشد . بر خلاف خیارات که درماده ۴۴۵ق.م حق قابل انتقال می باشند، اقاله قابل هیچ گونه انتقال قهری یا قراردادی نیست. (ش ۶۷ ، ص ۱۲۰ و ۱۲۱ سقوط تعهدات)

۸. فسخ به وسیله خیارات ..... و اقاله ..... است .

۱. حق قابل انتقال به وراث – حکم

۲. حکم - حق قابل انتقال به وراث

۳. حق قابل انتقال به وراث- حق قابل انتقال به وراث

۴. حکم – حکم

گزینه ۱ ، مواد ۴۴۵ و ۴۴۶ ق.م . خیارات که درماده ۴۴۵ق.م حق قابل انتقال می باشند، اقاله قابل هیچ گونه انتقال قهری یا قراردادی نیست .(ش ۶۷ ، ص ۱۲۰ و ۱۲۱ سقوط تعهدات)

۹. موضوع اقاله .....

۱. فسخ با تراضی ۲. وسیله قطع آثار عقد

۳. از بین بردن عقد ۴. تمام موارد فوق

گزینه ۴ ، اقاله سبب : ۱. انحلال عقد ۲. سقوط تعهدات طرفین ۳. از بین بردن عقد۴. قطع آثار و تعهدات قراردادی می باشد (ش ۶۶ ، ص ۱۱۲ و ۱۱۹ و ۱۲۰ سقوط تعهدات) اسباب انحلال عقد : ۱. فسخ ۲. اقاله ۳. حکم قانون است .

۱۰. نِمائات و منافع منفصله از زمان عقد تا اقاله که در مورد معامله حادث می شود برای ..... و نمائات و منافع متصله برای .....

۱. کسی است که بواسطه عقد ، مالک شده است – کسی است که بواسطه اقاله، مالک شده است .

۲. خریدار – فروشنده

۳. فروشنده – خریدار

۴. گزینه ۱ و ۲

گزینه ۴ ، ماده ۲۸۷ ق.م

۱۱. دلیل حکم ماده ۲۸۷ ق.م که مقرر می دارد : « نِمائات و منافع منفصله از زمان عقد تا اقاله که در مورد معامله حادث می شود برای کسی است که بواسطه عقد، مالک شده است » چیست ؟

۱. اعمال اثر اقاله نسبت به آینده خود . ۲. حکم قانون گذار .

۳. تابعیت مالکیت منافع مال از اصل مال ۴. تمام موارد فوق

گزینه ۴ ، منافع منفصل هر مال مانند بچه گوسفند طبق ماده ۳۳ ق.م به مالک آن برمی گردد و چون خریدار، بعد از عقد مالک می باشد منافع آن مال برای او می باشد و چون اثر اقاله نسبت به آینده است؛ منافع پیشین به مالک قبلی آن یعنی خریدار برمی گردد. ش ۷۰ ص ۱۲۴ و ۱۲۵

۱۲. اثر اقاله و فسخ و انفساخ نسبت به ..... و اثر بطلان از ..... می باشد.

۱. آینده – ابتدا ۲. ابتدا – آینده

۳. آینده – آینده ۴. ابتدا – ابتدا

گزینه ۱، با انحلال هرعقدی، منافع و نمائات از تاریخ عقد تا انحلال به مالک بعد عقد بر می گردد یعنی منافع مبیع به خریدار داده می شود ولی وقتی بطلان عقد اعلام شد، منافع و نمائات از تاریخ عقد تا اعلام بطلان به مالک اولیه بر می گردد یعنی منافع مبیع به فروشنده داده می شود زیرا اعلام بطلان حاکی از آنست که اساساً عقدی صورت نگرفته است پس اثر انحلال نسبت به آینده و اثر بطلان از ابتدای تشکیل آنست. (ش ۷۰ ص ۱۲۴ و ۱۲۵ کتاب)

۱۳. شرط افزایش یا کاهش یکی از عِوَضین در هنگام اقاله .....

۱. شرطی مشروع و صحیح است .

۲. مخالف مقتضای ذات اقاله و موجب بطلان اقاله است .

۳. مخالف مقتضای اطلاق اقاله و موجب بطلان اقاله است .

۴. اگر کاهش یا افزایش جزیی باشد صحیح است .

گزینه ۲ ، وفق نظر مرحوم دکتر شهیدی در اقاله باید عوضین بدون هیچ کاستی و فزونی به طرفین برگردد و هر گونه شرط خلاف آن باطل و موجب بطلان اقاله است .(ش۶۲، صص ۱۱۷ و ۱۱۸) البته به نظر مرحوم دکتر کاتوزیان اگر شرط کاهش یا افزایش جزیی باشد صحیح است. (یادداشت ۴ و ۵ قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی) ولی برای آزمون پیام نور گزینه ۲ صحیح است .

۱۴. کم یا زیاد کردن عِوَضِین هنگام اقاله ....

۱. مطلقا غیر ممکن است . ۲. در قالب ابراء یا هبه مستقل از اقاله ممکن است .

۳. به کمک بیع جدید ممکن است . ۴. موارد ۲ و ۳

گزینه ۴ ، کم یا زیاد کردن عِوَضِین هنگام اقاله اصولاً مخالف مقتضای ذات اقاله است ولی به کمک : ۱. ابراء **مستقل** یا ۲. هبه **مستقل** یا ۳. انعقاد عقد جدید ممکن است به شرط اینکه این اعمال حقوقی خارج از اقاله باشد (ش۶۲ ، صص ۱۱۷ و ۱۱۸) البته این نظر مرحوم دکتر شهیدی از این جهت قابل نقد بنظر می رسد که در نتیجه، هیچ تفاوتی بین حالتی که این ابراء یا هبه مستقل یا ضمن اقاله باشد؛ وجود ندارد و در هر دو صورت همان میزان اضافی داخل قصد طرفین واقع می شود.

۱۵. اگرپنبه ای مورد معامله واقع شود و خریدار آنرا تبدیل به نخ کند؛ بعد اقاله کدام حکم جاری است ؟

۱. نخ برای خریدار است و بهای نخ به فروشنده داده می شود.

۲. نخ برای فروشنده است و میزان افزایش قیمت برای خریدار است .

۳. نخ برای خریدار است و هیچ چیز به خریدار داده نمی شود .

۴. نخ برای فروشنده است و هیچ چیز به خریدار داده نمی شود .

گزینه ۲ ، ماده ۲۸۸ق.م اگر افزایش قیمت منحصراً نتیجه صرف مقداری کار و بدون افزودن عینی در مورد معامله باشد اصل مال به «مالک بعد اقاله» یعنی فروشنده داده می شود ولی خریدار مستحق افزایش قیمت می گردد. (ش ۷۰ ص ۱۲۶ سقوط تعهدات) این مورد با غاصب در ماده ۳۱۴ ق.م قابل قیاس نیست زیرا ید غاصب ضمانی است.

۱۶. اگر افزایش قیمت مورد معامله به دلیلی غیر از تصرف مالک یا خریدار باشد مانند تورّم قیمت ملک، وضعیت مالکیتِ مورد معامله بعد اقاله چگونه است؟

۱. مورد معامله به خریدار داده می شود و بهای روز آن به فروشنده داده می شود.

۲. مورد معامله به فروشنده داده می شود و بهای روز آن به خریدار داده می شود.

۳. مورد معامله به فروشنده داده می شود .

۴. مورد معامله به خریدار داده می شود.

گزینه ۳ ، ماده ۲۸۸ ق.م (ش ۷۰ ص ۱۲۶ سقوط تعهدات) راه جبران ضرر خریدار در این شرایط یکی از سه کار : ۱. هبه مستقل میزان تورم ۲. ابراء مستقل یا ۳. بیع جدید می باشد .

۱۷. اگر خریدار در ماشین خریداری شده، رادیویی نصب کند بعد از اقاله ...

۱. رادیو متعلق به فروشنده می گردد .

۲. رادیو متعلق به خریدار می گردد .

۳. رادیو متعلق به خریدار می گردد ولی باید بهای آنرا به فروشنده بدهد.

۴. رادیو متعلق به فروشنده می گردد ولی باید بهای آنرا به خریدار بدهد.

گزینه ۲ ، ماده ۲۸۸ق.م ناظر به موردی است که عین زاید نباشد ولی اگر افزایش قیمت به دلیل عین زایدی در مورد معامله باشد و قابل انفصال یا جدایی باشد مانند رادیو نصب شده در ماشین خریداری شده، خریدار می تواند آن عین را بردارد بدون اینکه چیزی مازاد به فروشنده برگرداند . در انتهای ماده ۳۱۴ق.م در غصب نیز همین حکم جاری است .

۱۸. اگر دراثر تغییر عرفی، ماهیت مورد معامله به وسیله عمل خریدار تغییر ماهیت کند مثل اینکه آهن تبدیل به ماشین آلات یا قطعه صنعتی شود هنگام اقاله ...

۱. متعلق به مالک پیش از عقد می گردد .

۲. متعلق به مالک بعد از عقد می گردد.

۳. متعلق به مالک بعد از عقد می گردد ولی بهای روز آهن به مالک پیش از عقد پرداخت می شود .

۴. متعلق به مالک پیش از عقد می گردد ولی بهای روز آهن به مالک بعد از عقد پرداخت می شود .

گزینه ۳ ، ماده ۲۸۸ق.م . اگراساس ماهیت مورد معامله بوسیله عمل خریدار تغییر کند مثل اینکه زمین تبدیل به خانه، تخم مرغ با دستگاه جوجه کشی تبدیل به جوجه، آهن آلات تبدیل به قطعه صنعتی شود؛ آن مال تغییر ماهیت یافته در هنگام اقاله به خریدار تعلق دارد زیرا « درحکم تلف» تلقی می شود و مشمول ماده ۲۸۶ ق.م شده بنابراین بهای روز اصل مال یعنی آهن یا تخم مرغ به فروشنده داده می شود .

۱۹. اگر دراثر تغییر عرفی، ماهیت مورد معامله به وسیله عمل خریدار تغییر ماهیت کند مثل اینکه تخم مرغ به جوجه تبدیل شود؛ در این صورت کدامیک ازاحکام زیر صحیح است ؟

۱. خریدار و فروشنده در اصلِ مال تغییر یافته شریک می شوند .

۲. اقاله چنین عقدی امکان ندارد .

۳. در موقع اقاله، بهای روز اصل مال را یعنی تخم مرغ را به فروشنده می دهند و اصل مال تغییر یافته یعنی جوجه به خریدار تعلق دارد .

۴. در موقع اقاله، بهای روز مال را یعنی جوجه را به فروشنده می دهند و بهای روز تخم مرغ به خریدار تعلق می گیرد .

گزینه ۳ ، اگر دراثر تغییر عرفی، ماهیت مورد معامله به وسیله عمل خریدار تغییر ماهیت کند مثل اینکه تخم مرغ به جوجه تبدیل شود در این صورت از آنجا که اصل مال مورد معامله « درحکم تلف » تلقی می گردد بنابراین مشمول ماده ۲۸۶ ق.م شده و در موقع اقاله، بهای روز اصل مال را یعنی تخم مرغ را به فروشنده می دهند و اصل مال تغییر یافته یعنی جوجه به خریدار تعلق دارد . (شماره ۳ از شماره ۷۱ ص ۱۲۷ کتاب)

۲۰. تغییرِ عرفیِ ماهیتِ موردِ معامله به وسیله عمل خریدار و تبدیل شدن به مال جدید .....

۱. در حکم تلف تلقی شده و مانعی برای اقاله نمی باشد .

۲. در حکم تلف تلقی شده و مانعی برای اقاله نمی باشد .

۳. سبب شراکت قهری بین خریدار و فروشنده درمال جدید در هنگام اقاله می شود.

۴. موارد ۱ و ۳

گزینه ۱، همان طور که در تستهای قبل نیز بیان شد تغییر عرفی، ماهیت مورد معامله بـه وسـیله عمـل خریـدار و تبدیل شدن به مال جدید «در حکم تلف اصل مال» تلقی شده و مانعی برای اقاله نمی باشد بنابراین مثل یا قیمـت اصل آن مال قبلی به فروشنده داده می شود و مال جدید برای خریدار است.

۲۱. اگر افزایش قیمت مال در اثر اختلاط مورد معامله با مالِ متعلق به خریدار باشد و تجزیه مورد معامله از آن مستلزم هزینه غیرقابل تحمل باشد ؛ درهنگام اقاله...

۱. کل مال به فروشنده تعلق می گیرد .

۲. کل مال به خریدار تعلق دارد .

۳. طرفین عقد با یکدیگر به نسبت ارزش مورد معامله و مال خریدار شریک می شوند.

۴. کل مال به فروشنده تعلق می گیرد ولی باید اجرت اختلاط مال را به خریدار بپردازد.

گزینه ۳ ، در این مورد شراکت قهری بین طرفین رخ می دهد. ش۷۱ ص ۱۲۸کتاب

۲۲. کدام مورد صحیح نیست :

۱. اقاله عقد قابل توارث و انتقال نیست .

۲. در اقاله حق شفعه وجود ندارد .

۳. خود اقاله قابل فسخ و اقاله نیست .

۴. تلف یکی ازعِوَضِین مانع اقاله است .

گزینه ۴ ، مواد ۸۰۸ و ۲۸۶ ق.م و شماره های ۶۵ و ۶۶ و ۶۷ کتاب .

۲۳. شرط تغییر در عِوَضِین هنگام اقاله ...

۱. در قالب شرط ابراء یا هبه ضمن اقاله نافذ است .

۲. چنانچه جزیی و ناچیز باشد ممکن است .

۳. در هیچ صورتی ممکن نیست .

۴. درقالب هبه یا ابراء مستقل از اقاله نافذ است .

گزینه ۴ ، طبق نظر مرحوم دکترشهیدی «شرط تغییر عِوَضِین ضمن اقاله» از آن جهت که با «مقتضای ذات اقاله» مخالف است؛ باطل و موجب بطلان اقاله است مگر در قالب «**هبه یا اِبراء مستقل از اقاله** » باشد مثلا فروشنده هنگام اقاله ساختمان موضوع معامله که صد میلیون تومان افزایش قیمت داشته است، صد میلیون تومان را بموجب عقد جداگانه ای به خریدار هبه نماید ولی هبه ضمن اقاله باطل و موجب بطلان اقاله است (شماره های ۷۲ و ۶۲ ، صص ۱۱۷ و ۱۱۸ و ۱۲۹ کتاب)

۲۴. تملیک مال به طرف معامله برای جلب رضایت او و انشای اقاله ...

۱. مخالف مقتضای ذات اقاله و باطل و موجب بطلان آن است .

۲. نافذ است زیرا این مال جزء عوضین اقاله نیست .

۳. نافذ است زیرا اقاله در برابر و معوض بر آن مال واقع نمی شود.

۴. گزینه های ۲ و ۳

گزینه ۴ ، تملیک مال یعنی دادن مالی برای راضی کردن طرف به انجام اقاله صحیح است زیرا این مال جزء عوضین اقاله نیست و اقاله در برابر و معوَّض بر آن مال واقع نمی شود تا افزودن یا کاستن بر عوضین تلقی شود بنابراین چنین تملیکی نافذ است.

بخش سوم - تستهای اِبراء

۱. اِبراء ویژه اسقاط ..... و اِعراض ویژه اسقاط ..... است .

۱. حقوق دینی – حقوق عینی

۲. حقوق عینی – حقوق دینی

۳. حقوق دینی – حقوق دینی

۴. حقوق عینی – حقوق عینی

گزینه ۱

۲. ابراء با اراده ..... و وفای به عهد با اراده ..... صورت می گیرد.

۱. مدیون – داین ۲. داین – مدیون

۳. مدیون- مدیون ۴. داین – داین

گزینه ۲ ، مواد ۲۶۹ و ۲۸۹ ق.م

۳. درخصوص مقایسه اِبراء با هبهِ طلب به مدیون کدامیک از گزینه های زیرصحیح است؟

۱. ابراء محتاج رضای مدیون نیست برعکس هبه طلب به مدیون .

۲. ابراء مستقیماً اسقاط مافی الذمه است .

۳. هبه دین به مدیون آن موجب حصول مالکیت مافی الذمه می شود .

۴.همه موارد .

گزینه ۴، هر دو عمل حقوقی هستند ولی تفاوت های این دو عمل حقوقی است :

اول- هبه طلب به دیون عقد هبه است و ابراء ذمه بدهکار از دین ایقاع لازم است

دوم- چون هبه طلب عقد است ایجاب از واهب و قبول از متهب لازم است ولی چون ابراء دین، ایقاع است احتیاج به قبول ندارد و با یک اراده طلبکار واقع می شود . هبه طلب به مدیون خودش ماهیتاً عقد است ولی سبب مالکیت ما فی الذمه می گردد یعنی با هبه طلب به مدیون دو وصف طلبکار و بدهکار در مُتَّهِب جمع می شود . متّهِب از

بابت دین سابق بدهکار است و از بابت هبه آن دین از واهب طلبکار است . در یک لحظه دو وصف طلبکار و بـدهکار در او جمع می شود و مالک ما فی الذمه می شود .

سوم- ابراء مستقیماً اسقاط مافی الذمه است ولی هبه طلب به مدیون غیرمستقیم باعث سقوط ما فـی الذمـه مـی شود .

چهارم- هبه دین می تواند مشروط باشد ولی ابراء نمی تواند مشروط باشد .

پنجم- خیارات در هبه دین وجود دارد ولی در ابراء وجود ندارد .

۴. اسقاط حق دینی به مفهوم ..... است .

۱- ابراء ۲- اعراض

۳- انتقال ۴- اذن در بهره برداری از موضوع حق

گزینه ۱ ، ماده ۲۸۹ ق.م

۵. ابراء ..... وسیله سقوط تعهد است و اِعراض .....

۱. به طور مستقیم – می تواند غیرمستقیم باعث سقوط تعهد گردد.

۲. به طور غیرمستقیم - می تواند مستقیم باعث سقوط تعهد گردد.

۳. مستقیم و غیرمستقیم- مستقیم

۴. مستقیم - مستقیم و غیرمستقیم

گزینه ۱ ، ابراء **بطور مستقیم** وسیله سقوط تعهد است ولی اِعراض **می تواند بصورت غیرمستقیم باعث سقوط تعهد گردد** بعنوان مثال اگر مالک از مالِ موردِ تعهد، اعراض نماید، حقّ مالک را نسبت به آن مال زایل می کنـد و زوال این حق، باعث سقوط تعهد متعهد نسبت به تسلیم آن به متعهدله می شود . (شماره ۷۳ ، ص ۱۳۰ کتاب)

۶. بنابرعقیده مولف کتاب سقوط تعهدات، در خصـوص تعلیـق درابـراء، کـدام مـورد صـحیح اسـت؟ (فراگیرپیام نور ۹۶)

۱. خواه تعلیق در مُنشاء و خواه تعلیق در انشاء باشد، خدشه ای بر اعتبار ابراء وارد نمی سازد .

۲. اعم از تعلیق در انشاء یا مُنشاء، موجب بطلان آن است .

۳. اگرمربوط به انشاء باشد، خدشه ای بر اعتبار ابراء وارد نمی سازد.

۴. اگر مربوط به مُنشاء باشد، خدشه ای بر اعتبار ابراء وارد نمی سازد .

گزینه ۴، بنابرعقیده مولف کتاب سقوط تعهدات مرحوم شهیدی تعلیق در ابراء یا ابراءِ معلّق مانند هر ایقاع معلق دیگری، جز درمواردی که مانند ماده ۱۱۳۵ ق.م (بطلان طلاق معلق) صحیح است به شرط اینکه تعلیق در مُنشاء باشد ولی تعلیق در انشاء بیگمان باطل است بنابراین گزینه های ۱ تا ۳ اشتباه هستند . (ش ۸۶ و صص ۱۴۰ و ۱۴۱ کتاب)

۷. درج شرط عِوَض در ابراء .....

۱. با ماهیت حقوقی آن ناسازگار و باطل است .

۲. موجب معوض شدن ابراء نمی شود و صحیح است .

۳. از آنجا که ابراء ایقاع منجَّز است نمی تواند مشروط باشد .

۴. موارد ۱ و ۳

گزینه ۴ ، وفق نظر مرحوم شهیدی درج شرط عوض درابراء با ماهیت آن که نوعی ایقاع منجز است، ناسازگار است و همچنین ابراء، ایقاع است و عقد نیست تا طرف دیگر بخواهد شرط ضمن عقد را قبول نماید(ش ۸۶ و صص ۱۴۰ و ۱۴۱ کتاب) بر خلاف نظرمرحوم کاتوزیان که شرط عوض را در ابراء نافذ می شمردند (یادداشت ۸ ماده ۲۸۹ قانون مدنی درنظم حقوقی کنونی)

۸. درج شرط عِوَض در هبه دین ...

۱. با ماهیت حقوقی آن ناسازگار و باطل است .

۲. با مقتضای ذات آن ناسازگار و باطل است .

۳. شرطی مشروع و صحیح است .

۴. موارد ۱ و ۲

گزینه ۳ ، از آنجا که هبه دین ماهیت قراردادی دارد مانند سایر قراردادها می توان در آن شرط عوض نمود بر خلاف ابراء که ایقاع بوده و این امر در آن ممکن نمی باشد(ش ۸۶ و صص ۱۴۰ و ۱۴۱ کتاب)

۹. درج خیار شرط درابراء .....

۱. باطل است زیرا خیارات مختص عقود است نه ایقاعات .

۲. با ماهیت حقوقی ابراء که منجز است، مخالف بوده و باطل است.

۳. شرطی صحیح است .

۴. موارد ۱ و ۲

گزینه ۴ ، درج خیار شرط درابراء به این معناست که ابراء کننده در انشای ابراء، حق فسخ ابـراء را در مـدت معـین برای خود، شرط نماید. این شرط در قراردادها به استناد مواد ۱۸۸ و ۳۹۹ ق.م نافذ است ولی در ایقاعات راه نـدارد زیرا : ۱. خیارات، مختص عقود است نه ایقاعات و ۲. درج خیار با ماهیت حقوقی ابراء که منجز است، مخالف بوده و باطل است.

۱۰. ابراء معلق با تعلیق درمُنشا ..... و ابراء مشروط ..... است .

۱. باطل – صحیح ۲. صحیح – باطل

۳. صحیح – صحیح ۴. باطل – باطل

گزینه ۲ ، ش ۸۶ و ۸۸ و صص ۱۴۱ و ۱۴۳ و ۱۴۴ .

۱۱. اگر در عقدی ذمه خریدار از بابت پرداخت ثمن، ابراء شود و بعداً عقد، اقاله یا فسخ یا منفسـخ شـود در این صورت .....

۱. ابراء شونده یا مدیون(خریدار) باید معادل ثمن ابراء شده را به فروشنده برگرداند.

۲. ابراء شونده یا مدیون(خریدار) نباید معادل ثمن ابراء شده را به فروشنده برگرداند .

۳. در صورتیکه ابراء را در حکم ایفای تعهد بدانیم، ابراء کننده یا داین(فروشنده) باید معادل ثمـن ابـراء شـده را بـه خریدار برگرداند .

۴. در هیچ صورتی لازم نیست که ابراء شونده یا مدیون(خریدار) معادل ثمن ابراء شده را به فروشنده برگرداند .

گزینه ۳ ، اگر ابراء را در حکم ایفای تعهد و قبض آن بدانیم، در عقدی ذمه خریدار از بابت پرداخت ثمن ابراء شود و بعداً عقد، اقاله یا فسخ یا منفسخ شود دوباره ذمه مدیون به دین مشـغول شـده و بایـد معـادل مـال را بـه دایـن

برگرداند ولی اگر اگر ابراء را در حکم ایفای تعهد و قبض آن ندانیم، چنین حکمی جاری نیست . (ش ۸۷ ، صص ۱۴۲ و ۱۴۳)

۱۲. تعریف « اِبراء» درنظر مولف کتاب سقوط تعهدات عبارت است از ...

۱. اسقاط دین به وسیله داین

۲. اسقاط حق عینی به وسیله مالک

۳. داین از حق خود به اختیار صرف نظر نماید .

۴. موارد ۱ و ۳

گزینه ۱ ، تعریف ابراء در ماده ۲۸۹ق.م آنست که « داین از حق خود به اختیار صرف نظر نماید» این تعریف از نظر مرحوم شهیدی، دقیق نمی باشد و تعریف دقیق ابراء « اسقاط دین به وسیله داین» است. ش ۷۴، ص ۱۳۱ کتاب .

۱۳. ماهیت حقوقی ابراء و هبه طلب به مدیون به ترتیب کدام است ؟

۱. عقد – ایقاع ۲. ایقاع – عقد

۳. عقد – عقد ۴. ایقاع – ایقاع

گزینه ۲ ، مواد ۲۸۹ و ۸۰۶ ق.م

۱۴. ابراءِ فضولی و اکراهی و ابراءِ صورت گرفته توسط محجورین به ترتیب ...

۱. باطل – باطل – غیرنافذ

۲. باطل – باطل – باطل

۳. غیرنافذ - باطل – باطل

۴. غیرنافذ - غیرنافذ - باطل

گزینه ۲، حکم عدم نفوذ معامله اکراهی و معاملات سفیه و صغیرممیِّز ویژه عقود است و به ابراء که ایقاع می باشد ، سرایت نخواهد کرد. شماره ۷۸، صص ۱۳۳ و ۱۳۴.

بخش چهارم – تستهای تبدیل تعهد

۱. درکدام مورد «تضمینات تعهد سابق» به تعهد جدید تعلق نمی گیرد ؟

۱. تبدیل تعهد ۲. انتقال طلب ۳. ضمان و حواله ۴. هر سه مورد

گزینه ۱ ، ماده ۲۹۳ ق.م . انتقال طلب و حواله و ضمان از نظر دقیق حقوقی تبدیل تعهد و مشمول ماده ۲۹۲ ق.م نیستند تا بگوییم مشمول ماده ۲۹۳ ق.م می شوند بنابراین در انتقال طلب و ضَمان و حواله « تضمینات تعهد سابق» به تعهد جدید تعلق می گیرد. شماره ۹۷ کتاب سقوط تعهدات .

۲. ماهیت حقوقی تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل موضوع تعهد ..... است .

۱. ایقاع معیَّن دلالت بر تملیک عین یا انتقال حق مربوط به آن در برابر سقوط تعهد اصلی

۲. ایقاع نامعیَّن دلالت بر تملیک عین یا انتقال حق مربوط به آن در برابر سقوط تعهد اصلی

۲. عقد معیَّن دلالت بر تملیک عین یا انتقال حق مربوط به آن در برابر سقوط تعهد اصلی

۴. عقد نامعیَّن دلالت بر تملیک عین یا انتقال حق مربوط به آن در برابر سقوط تعهد اصلی .

گزینه ۴ ، با تحلیلی که عرف از قصد طرفین درتبدیل تعهد به اعتبار تبدیل موضوع تعهد بدست می دهد، عقد نامعیَّن دلالت بر تملیک عین یا انتقال حق، مربوط به آن در برابر سقوط تعهد اصلی می باشد. شماره ۲۴ ، صص ۴۵ و ۴۶ سقوط تعهدات .

۳. کدام مورد صحیح است ؟ (فراگیر پیام نور۹۶)

۱. درتبدیل تعهد، تعهد اصلی سقوط می کند اما در انتقال دین، تعهد اصلی زایل نمی شود .

۲. انتقال طلب، نوعی تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل متعهَّدٌ لَه است .

۳. پرداخت دین توسط ثالث، نوعی تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل متعهَّدٌ لَه است .

۴. در همه اقسام، تبدیل به صرف توافق متعهد و متعهَّدٌ لَه واقع می شود .

گزینه ۱ ، انتقال طلب با تبدیل تعهد فرق دارد زیرا : ۱. در تبدیل تعهد« تعهد اول یا قدیم یا سابق » سقوط کرده و از بین می رود و « تعهد جدید یا لاحق » جانشین آن می شود ولی **در انتقال طلب، « تعهد اول یا قدیم یا سابق» و وثیقه های آن، به قوت خود باقی است و فقط طلبکار آن عوض می شود .** ۲. تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل متعهَّدٌ لَه مندرج در بند ۳ ماده ۲۹۲ ق.م را به دلیلی که بیان شد، نمی توان مصداق انتقال طلب دانست .

خلاصه نهاد حقوقی انتقال طلب با تبدیل تعهد متفاوت می باشد . با توجه به توضیحات فوق، گزینه های ۲ تا ۴ اشتباه می باشند و تنها گزینه ۱ صحیح هست . شماره ۱۰۱ کتاب سقوط تعهدات .

۴. در تبدیل تعهد ، تضمینات تعهد سابق به تعهد لاحق تعلق .....

۱. نخواهد گرفت ، حتی اگر طرفین معامله آنرا صراحتاً شرط کرده باشند .

۲. نخواهد گرفت ، مگر اینکه طرفین معامله آنرا صراحتاً شرط کرده باشند .

۳.نخواهد گرفت ، مگر اینکه طرفین معامله خلاف آنرا صراحتاً شرط کرده باشند

۴.نخواهد گرفت ، حتی اگر طرفین معامله خلاف آنرا صراحتاً شرط کرده باشند .

گزینه ۲، ماده ۲۹۳ ق.م . در تبدیل تعهد ، تضمینات تعهد سابق به تعهد لاحق تعلق نخواهد گرفت ، مگر اینکه طرفین معامله آنرا صراحتاً شرط کرده باشند. طبق نظر دکترشهیدی این حکم درباره ضمان و حواله و انتقال طلب جریان ندارد ولی وفق نظردکترکاتوزیان این حکم در ضمان و حواله هم جریان دارد . (یادداشت ۲ ماده ۲۹۳)

۵. در تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل موضوع تعهد کدامیک از احکام زیر جاری است :

۱. در تعهد جدید باید حتما ماهیت یا جنس مورد تعهد، تغییر نماید ولی وصف و مقدار آن تغییر نمی کند .

۲. در تعهد جدید باید جنس و وصف و مقدار مورد تعهد تغییر نماید .

۳. لازم نیست که حتماً جنسِ موردِ تعهد، تغییرکند بلکه با تغییر اوصاف آن نیزممکن است.

۴. چنین توافقی عقد رایگان است .

گزینه ۳، در تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل موضوع تعهد لازم نیست که حتماً جنسِ موردِ تعهد کند بلکه با تغییر اوصاف آن نیزممکن است. (ش ۹۳، ص ۱۴۸ کتاب) مثلاً اگرشخصی تعهد به تحویل پسته اکبری رفسنجان داشته باشد می تواند آنرا به پسته کله قوچی تبدیل نماید و با توافق خریدار و فروشنده دریافت این نوع پسته را بخواهد . در اینجا جنس همان پسته است ولی وصف آن تغییر کرده است .

۶. کدام مورد صحیح است :

۱. در تبدیل تعهد، مشروع بودن تعهد سابق لازم است .

۲. موضوع تعهد با موضوع قراردادِ تبدیل تعهد فرق دارد .

۳. تبدیل تعهد نوعی قرارداد معوض است . ۴. تمام موارد فوق .

گزینه ۴، در تبدیل تعهد « موضوع قرارداد» مثلا عقد بیع است ولی «موضوع تعهد» همان مال یا عملی است که طرفین تعهد به تسلیم یا انجام آنرا می نمایند (ماده ۲۱۶ ق.م) شماره ۹۱ ص ۱۴۷ کتاب .

۷. کدام مورد «عِوَضین» قرارداد تبدیل تعهد هستند :

۱. سقوط دو تعهد متقابل

۲. ایجاد تعهد جدید در برابر سقوط تعهد قبلی

۳. ایجاد تعهد سابق در برابر سقوط تعهد جدید

۴. تمام موارد فوق

گزینه ۲ ، عِوَضین قرارداد تبدیل تعهد « ایجاد تعهد جدید در برابر سقوط تعهد قبلی» می باشد . (شماره ۹۱ ص ۱۴۷ کتاب .)

۸. در تبدیل تعهد، تعهد سابق ..... و در انتقال طلب .....

۱. از بین می رود – به قوت خود باقی است . ۲. به قوت خود باقی است - از بین می رود .

۳. از بین می رود - از بین می رود . ۴. به قوت خود باقی است - به قوت خود باقی است .

گزینه ۱ ، شماره های ۹۷ و ۱۰۱ ، صص ۱۵۲ و ۱۵۳ کتاب . یکی از تفاوت های بنیادین تبدیل تعهد و انتقال طلب آنست که در تبدیل تعهد « تعهد اول یا قدیم یا سابق » سقوط کرده و از بین می رود و « تعهد جدید یا لاحق » جانشین آن می شود ولی **در انتقال طلب، « تعهد اول یا قدیم یا سابق» و وثیقه های آن، به قوت خود باقی است و فقط طلبکار آن عوض می شود** .

۹. با پرداخت چک یا برات در وجه شخص برای تعهدی که موضوع آن وجه نقد است ...

۱. تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل موضوع تعهد رخ نمی دهد .

۲. تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل مَنشاءِ تعهد رخ می دهد .

۳. متعهَّدٌ لَه می تواند آنرا قبول نکرده و بدهکار را مکلف به پرداخت نقدی نماید.

۴. موارد ۱ و ۳

گزینه ۴ ، پرداخت چک یا برات در واقع محکم ترکردن و تامین بیشتر برای اصل تعهد است نه تبدیل تعهد و وفق ماده ۲۷۵ ق.م متعهد له می تواند آنها را قبول نکرده و وجه نقد بخواهد . (شماره های ۲۶ و ۱۰۵ ، صص ۴۷ و ۴۸ و ۱۵۸کتاب)

۱۰. ماهیت حقوقی انتقال موجودی حساب جاری به حساب پس انداز با توافق بانک و صاحب حساب چیست ؟

۱. تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل مَنشاءِ تعهد ۲. تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل موضوع تعهد

۳. انتقال طلب ۴. انتقال دین

گزینه ۱ ، شماره ۱۰۵ و ۱۰۸، ص ۱۵۸کتاب .

۱۱. اگرمال باخته، طلای مسروقه را پس از فهمیدن سرقت به خود سارق به مدت یکسال قرض دهد در این صورت ...

۱. تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل مَنشاءِ تعهد رخ می دهد .

۲. تعهد سارق به استرداد مال مسروقه به استرداد مال قرض تبدیل می شود.

۳. چنین توافق به دلیل نامشروع بودن تعهد سابق باطل است .

۴. موارد ۱ و ۲

گزینه ۴ ، تعهد منشاء «استرداد مال مسروقه» بوده و تعهد جدید «استرداد مال مقروضه» . اگرچه سرقت نامشروع است ولی تعهد سارق به استرداد مال مسروقه مشروع است.ش ۹۴ ، صص ۱۴۸ و ۱۴۹ کتاب .

۱۲. سبب یا منشاءِ تعهد در قرارداد تبدیل تعهد باید چه ویژگی داشته باشد :

۱. اگر تعهد سابق دارای منشاءِ قهری باشد، تعهد جدید هم باید قهری باشد.

۲. اگر تعهد سابق دارای منشاءِ قراردادی باشد، تعهد جدید هم باید قراردادی باشد

۳. می تواند منشایی متفاوت از منشاءِ تعهد سابق داشته باشد .

۴. هیچکدام از عبارات فوق صحیح نیست .

گزینه ۳ ، سبب یا منشاءِ تعهد در قرارداد تبدیل تعهد، می تواند منشایی متفاوت از منشاءِ تعهد سابق داشته باشد. ش ۹۴ ، صص ۱۴۸ و ۱۴۹ کتاب .

۱۳. در مورد « پرداخت دین توسط شخص ثالث» کدام عبارت صحیح است ؟

۱. نوعی تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل مدیون است

۲. دین مذکور بر ذمّه ثالث تعلق می گیرد .

۳. قبل از پرداخت دین توسط ثالث، ماهیت حقوقی انشاء نمی شود .

۴. نوعی انتقال دین می باشد .

گزینه ۳، در پرداخت دین توسط شخص ثالث موضوع ماده ۲۶۷ ق.م، قبل از پرداخت ماهیت حقوقی انشاء نمی شود و دین مذکور بر ذمّه ثالث تعلق نمی گیرد ولی در تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل مدیون، پیش از تادیه ماهیت حقوقی انشاء می شود. پرداخت دین توسط شخص ثالث، ماهیت حقوقی مستقل دارد .

۱۴. کدام عبارت صحیح است :

۱. انتقال دین همان تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل متعهد است .

۲. انتقال دین قهری یا قراردادی ممکن است .

۳. در هر دوی انتقال دین و تبدیل تعهد، تضمینات تعهد سابق به تعهد جدید تعلق نمی گیرد .

۴. تمام موارد فوق

گزینه ۲ ، انتقال دین با تبدیل تعهد به اعتبار تبدیل متعهد به طور کلی فرق دارد زیرا :

تفاوت اول – در انتقال دین فقط دین منتقل می شود ولی در تبدیل تعهد، تعهد قبلی به کلی زایل و تعهد جدید، جایگزین آن می شود.

تفاوت دوم – در انتقال دین تضمینات تعهد سابق به تعهد جدید تعلق می گیرد مانند ضمان و حواله ولی در تبدیل تعهد وفق ماده ۲۹۳ ق.م تضمینات تعهد سابق به تعهد جدید تعلق نمی گیرد . (ش۹۶، صص ۱۵۰ تا ۱۵۲)

« انتقال دین» و« انتقال طلب» و« تبدیل تعهد» سه نهاد حقوقی متفاوت از یکدیگر می باشند. (ش۹۶، صص ۱۵۰ تا ۱۵۲)

۱۵. عقود ضَمان و حواله مصادیقی از ..... می باشند .

۱. انتقال طلب ۲. انتقال دین ۳. تبدیل تعهد ۴. تمام موارد مذکور

گزینه ۲ ، عقود ضمان و حواله مصادیقی از انتقال دین با قرارداد می باشند. (ش۹۶، صص ۱۵۰ تا ۱۵۲)

۱۶. انتقال قهری دین با ..... حاصل می شود .

۱. فوت مُوَرِّث

۲. فوت مُوَرِّث و عدم رد ترکه به وسیله وارث

۳. فوت مُوَرِّث و رد ترکه به وسیله وارث

۴. فوت وارث و عدم رد ترکه به وسیله مُوَرِّث

گزینه۲، وفق مواد ۲۴۸ و ۲۵۰ ق.ا.ح با فوت مُوَرِّث و عدم رد ترکه به وسیله وارث « انتقال قهری دین متوّفی به وارث» رخ می دهد . (ش ۹۶، صص ۱۵۰ تا ۱۵۲)

۱۷. انتقال دین به وسیله ..... رخ می دهد .

۱. سبب قهری ۲. سبب قراردادی

۳. سبب قهری یا قراردادی ۴. ارث

گزینه ۳ ، انتقال دین به سبب قهری یا قراردادی ممکن است . سبب قراردادی مانند ضمان (ماده ۶۸۴ق.م) و حواله(ماده ۷۲۴ ق.م) و سبب قهری مانند فوت مُوَرِّث و عدم رد ترکه به وسیله وارث که طبق مواد ۲۴۸ و ۲۵۰ ق.ا.ح انتقال قهری دین رخ می دهد .

بخش پنجم- تستهای تَهاتُر

۱. کدام مورد درباره سابقه فقهی « تَهاتُر» صحیح است :

۱. در متون فقهی از آن بعنوان « تقاص» یاد شده است .

۲. باب سقوط تعهدات از حقوق فرانسه اقتباس شده و هیچ سابقه فقهی ندارد.

۳. در ابواب پراکنده فقهی از آن بعنوان سبب سقوط دین یاد شده است.

۴. موارد ۱ و ۳

گزینه ۴ ، تهاتر اگرچه فصل مستقلی را در متون فقهی ندارد ولی در ابواب پراکنده فقهی از آن بعنوان « تقاص» یاد شده است. ش ۱۱۷ و ص ۱۷۲ کتاب .

۲. اصل در تَهاتُر ..... بودن آن است و بقیه اقسام به طور معمول درکتب حقوقی آمده است .

۱. قهری ۲. قراردادی

۳. قضایی ۴. ایقاعی

گزینه ۱، ش ۱۱۴ ص ۱۷۰ کتاب .

۳. کدام حکم درباره «تَهاتُر» صحیح است :

۱. تهاتر در حکم تادیه دین و ایفای تعهد است .

۲. تهاتر « تساقط دو دین» است .

۳. در تهاتر بر خلاف مالکیت ما فی الذمه وجود دو شخص بدهکار و طلبکار لازم است.

۴. تمام موارد فوق

گزینه ۴ ، ش ۱۱۴ و ۱۱۵ و ۱۲۰، صص ۱۷۰ تا ۱۷۳ .

۴. اگرشخصی به محجوری بدهکار و از ولی یا قیم او طلبکار گردد؛ در این صورت ...

۱. بین دین آن شخص به محجور و طلبش از ولی یا قیم تهاتر رخ می دهد .

۲. می تواند طلب اش را از ولی یا قیم مطالبه کند و همچنان به محجور بدهکار است .

۳. نمی تواند طلب اش را از ولی یا قیم مطالبه کند و بدهی او به محجور ساقط می گردد .

۴. موارد ۱ و ۳

گزینه ۲ ، یکی ازشرایط تهاتر وحدت دو شخص طلبکار و بدهکار است و در این مثال محجور و ولی یا قیم اش دو شخص جداگانه هستند .

۵. اگر بعد از ضمان، مضمونٌ لَه به مضمون عنه مدیون شود موجب .....

۱. انفساخ خواهد شد.
۲. فراغ ذمه ضامن خواهد شد.
۳. فراغ ذمّه ضامن نخواهد شد
۴. ایجاد حق فسخ برای ضامن خواهد شد.

گزینه ۳، ماده ۲۹۷ ق.م .

۶. دلیل حکم ماده ۲۹۷ ق . م که مقرر می دارد : « اگر بعد از ضمان ، مضمون له به مضمون عنه مدیون شود ، موجب فراغ ذمه ضامن نخواهد شد . » چیست ؟

۱. زیرا عقد ضمان مبتنی بر نقل ذمه است .
۲. زیرا شرط وحدت بین دو شخص برای تهاتر وجود ندارد .
۳. زیرا اصل نسبی بودن قراردادها منافی تسری اثر دین حادث شده به ضامن است .
۴. همه موارد .

گزینه ۴ ، ش ۱۲۰ و صص ۱۷۳ و ۱۷۴ .

۷. اگر ضمان از نوع تضامنی باشد و بعد از انعقاد آن مضمون له به مضمون عنه مدیون شود ، چه اثر حقوقی دارد ؟

۱. موجب فراغِ ذمّه ضامن خواهد شد .
۲. بین طلب مضمونٌ لَه از ضامن و طلب ضامن و مضمونٌ عَنه، تهاتر رخ می دهد .
۳. موجب فراغِ ذمّه ضامن نخواهد شد .
۴. موارد ۱ و ۲

گزینه ۴ ، در ضمانت تضامنی از آنجا که انتقال دین رخ نمی دهد اگر مضمون له به مضمون عنه مدیون شود، بین طلب مضمونٌ لَه از ضامن و طلب ضامن و مضمونٌ عَنه، تهاتر رخ می دهد و موجب فراغِ ذمّه ضامن خواهد شد. (ش ۱۲۰ و صص ۱۷۳ و ۱۷۴)

۸. کدامیک از موارد زیر شرط صحت تهاتر نیست ؟

۱. اتحاد سبب . ۲. اتحاد زمان تادیه

۳. اتحاد مکان تادیه ۴. جنس واحد.

گزینه ۱ ، ماده ۲۹۶ ق.م و ش ۱۲۱ و ۱۲۲ و ۱۲۳ و ۱۲۴، صص ۱۷۵ تا ۱۷۷ کتاب .

۹. منظور از « شرط تقابُلِ بین دو دین» آنست که ...

۱. هر دو حال باشند .

۲. هر دو قابل مطالبه باشند .

۳. تهاتر مردَّد بین دو یا چند دین نباشد .

۴. تمام موارد فوق

گزینه ۳، شرط تقابل بین دو دین، به معنای مردد نبودن بین دو یا چند دین است . مثلا دو دینی که دو وثیقه متفاوت دارند وثیقه یکی فرش و دیگری یخچال است . در اینجا نمی توان به تهاتر استناد کرد مگر با رضایت طرفین . (ش ۱۲۷، ص ۱۷۹)

۱۰. اگر دو دین موجل که سررسید آنها متفاوت باشد؛ در این صورت .....

۱. تهاتر به هیچ وجه رخ نخواهد داد .

۲. تهاتر رخ می دهد .

۳. تهاتر رخ نخواهد داد مگر دینی که زودتر باید پرداخت شود تا انقضای مهلت دین دیگر، تادیه نشده باشد .

۴. هیچکدام از عبارات فوق صحیح نیست .

گزینه ۳، ش ۱۲۳ ص ۱۷۶ .

۱۱. بین دو دینی که اختلاف جنس و مکان دارند ....

۱. تهاتر به هیچ وجه رخ نخواهد داد .

۲. تهاتر رخ خواهد داد .

۳. تهاتر با توافق طرفین رخ می دهد .

۴. تهاتر حتی با توافق طرفین رخ نمی دهد .

گزینه ۳ ، ماده ۲۹۸ق.م و ش ۱۲۲ و ۱۲۳ و ۱۲۴ کتاب . این مصداقی از تهاتر قراردادی است .

۱۲. « اگرموضوع دین به نفع شخص ثالثی درنزدمدیون مطابق قانون توقیف شده باشد و مدیون بعد از این توقیف ، ازداین خود طلبکار گردد دیگر نمی تواند به استناد تهاترازتادیه مال توقیف شده امتناع کند . » (ماده ۲۹۹ ق . م) از این حکم استنباط می کنیم که :

۱- درمقابل حقوق ثابته اشخاص ثالث ، تهاتر موثر نخواهد بود .

۲- تهاترامری نسبی بوده وفقط دررابطه بین دوشخص طلبکاروبدهکارمتقابل قابل استناد است

۳- پس از مبادرت به توقیف مطابق قانون مدنی ، فی الواقع محل اجرای حکم ، علیه مدیون مشخص شده است .

۴- همه موارد .

گزینه ۴ ، ماده ۲۹۹ ق.م ناظر به شرط « آزاد بودن دو دین » است. (ش ۱۲۵، صص ۱۷۷ و ۱۷۸)

۱۳. درکدام دیون ، تهاترحاصل نمی شود ؟ دیونی که .....

۱. سبب ایجاد آنها متفاوت باشد . ۲. موضوع آنها متعلق حق شخص ثالث باشد .

۳. کلی فی الذمه باشد . ۴.توافق نامه تهاتر میان طرفین منعقد نگردیده باشد .

گزینه ۲، در دیونی که موضوع آنها متعلق حق شخص ثالث باشد به استناد ماده ۲۹۹ق.م تهاتر واقع نمی شود .

۱۴. اختلاف زمان یا مکان یا جنس مورد دو دین .....

۱. مانع ایجاد تهاتر است .

۲. مانع ایجاد تهاتر نیست .

۳. اصولاً مانع ایجاد تهاتر است ولی توافق طرفین، این مانع را رفع می کند.

۴. اختلاف مکان مورد دو دین با توافق طرفین رفع می شود ولی اختلاف زمان یا جنس مورد دو دین قابل تراضی نمی باشد .

گزینه ۳ ، تهاتر قراردادی همان « توافق طرفین برای تهاتر بین دو دینی است که اختلاف زمان یا مکان یا جنس دارند»؛ می باشد. اگر چه ماده ۲۹۸ ق.م فقط این امر را در اختلاف مکان ممکن دانسته است ولی دراختلاف زمان یا جنس مورد دو دین هم طبق اصل حاکمیت اراده این توافق ممکن است . (ش ۱۳۱، صص ۱۸۲ و ۱۸۳)

۱۵. اگر شخص « الف» تعهد به تحویل ده تن برنج در نوشهر به شخص « ب » نماید و شخص « ب» هم تعهد به تحویل بیست تن برنج در رامسر به شخص « الف » نماید ، کدام گزینه صحیح است ؟

۱. دادگاه می تواند حکم به تهاتر بدهد .

۲. باقبول مخارج نقل، تهاتر صحیح است .

۳. به واسطه اختلاف مکان تهاترمنتفی است

۴. نسبت به ده تن تهاتربه طورقهری حاصل میشود

گزینه ۲ ، ماده ۲۹۸ ق.م و ش ۱۲۴، ص ۱۷۷ کتاب .

۱۶. اِسقاط مدّتِ دین توسط مدیون ..... .

۱. می تواند زمینه تهاتُرِ ایقاعی را فراهم کند .

۲. این امر با یک اراده مدیون ممکن نیست .

۳. این امر با توافق طرفین ممکن است . ۴. موارد ۲ و ۳

گزینه ۱، اِسقاط مدّتِ دین توسط مدیون، ایقاع بوده و با یک اراده مدیون ممکن است بنابراین با اجتماع سایر شرایط، می تواند زمینه تهاتُرِ ایقاعی را فراهم کند. ش ۱۳۳، صص ۱۸۴ و ۱۸۵ .

۱۷. اگر یکی از دو مدیون، دو یا چند دین با وثیقه های مختلف به دیگری داشته باشد و مجموع آنها از دینی که مدیون دیگر دارد؛ بیشتر باشد؛ در این صورت ...

۱. استناد به تهاتر ممکن نمی باشد .

۲. استناد به تهاتر ممکن می باشد .

۳. استناد به تهاتر با اراده مدیونی که دیون متعدد دارد با اجتماع سایر شرایط واقع می شود .

۴. استناد به تهاتر با اراده مدیون دیگر با اجتماع سایر شرایط واقع می شود .

گزینه ۳، اگر یکی از دو مدیون، دو یا چند دین با وثیقه های مختلف به دیگری داشته باشد و مجموع آنها از دینی که مدیون دیگر دارد؛ بیشتر باشد استناد به تهاتر با اراده مدیونی که دیون متعدد دارد با اجتماع سایر شرایط به استثنای «شرط تقابل» واقع می شود . این مورد یکی ازمصادیق « تهاتر ایقاعی» است زیرا وفق ماده ۲۸۲ ق.م اینکه تادیه بابت کدام دین است با مدیون می باشد . (ش ۱۳۳، صص ۱۸۴ و ۱۸۵ کتاب)

۱۸. کدام عبارت درباره « تَهاتُرِ قضایی» صحیح نیست :

۱. همان تهاتر ایقاعی یا قراردادی یا قهری است که مورد تردید واقع شده است.

۲. برای استناد دادگاه به این تهاتر حتماً طرح دادخواست لازم است .

۳. این تهاتر از تاریخ حصول شرایط اش محقق می گردد.

۴. تمام موارد فوق

گزینه ۲ ، ماده ۱۴۲ ق.آ.د.م. برای استناد دادگاه به این تهاتر، صِرف یک ایراد یا دفاع یا درخواست خوانده هم کافی است. (ش ۱۳۵ تا ۱۳۷، صص۱۸۵ تا ۱۸۷)

۱۹. رای دادگاه در اعلام تهاتر قضایی ....

۱. جنبه اعلامی دارد . ۲. جنبه تاسیسی دارد .

۳. حسب مورد جنبه اعلامی یا تاسیسی دارد .

۴. ماهیتی مستقل از جنبه اعلامی یا تاسیسی دارد .

گزینه ۱، زمان وقوع تهاتر در تهاترقضایی « تاریخ حصول شرایط آن» می باشد نه زمان رای دادگاه مبنی بر تهاتر. برای همین رای دادگاه در این دعوا جنبه اعلامی دارد نه تاسیسی .

بخش ششم – مالکیت ما فی الذمه

اگربدی را با خوبی پاسخ دهیم، در این صورت «مالکِ ما فی الذمه» قلب او خواهیم شد :

« اِدفَع بِالَّتی هی احسَن فاذا الَّذی بینک و بینه عداوه کانَّه وَلیٌ حَمیم .

بدی را با نیکی از خود دور کن ناگاه خواهی دید همان شخص که میان تو و او دشمنی است گویی که دوستی گرم و صمیمی است » آیه ۳۴ سوره فصلت .

۱. مالکیت ما فی الذمه چیست ؟

۱. تساوی طلب و بدهی دو شخص. ۲. خرید دینی که برعهده بدهکار است.
۳. جمع دو عنوان بدهکار و طلبکار در یک شخص. ۴.خرید دینی که برعهده طلبکاراست

گزینه ۳ ، ماده ۳۰۰ ق.م و شماره ۱۴۰، ص ۱۹۲ کتاب .

۲. منشاء مالکیت فی الذمه ..... است .

۱. قهری است . ۲. قانونی است .

۳. قراردادی است ۴. قهری وقراردادی است

گزینه ۴، ش ۱۴۱ و صص ۱۹۳ و ۱۹۴ کتاب .

۳. درباره حکم ماده ۸۰۶ ق.م که مقرر می دارد : « هرگاه داین، طلب خود را بـه مـدیون ببخشـد؛ حـق رجوع ندارد.» کدامیک ازموارد زیر صحیح است :

۱. مصداقی از هبه طلب به مدیون است .

۲. با چنین بخششی، مدیون «مالکِ ما فِی الذّمه» خود می شود .

۳. منشاء قراردادی مالکیت مافی الذمه است .

۴. تمام موارد فوق

گزینه ۴ ، ش ۱۴۱ و صص ۱۹۳ و ۱۹۴ کتاب .

۴. اگر کسی به مورث خود مدیون باشد ، اثرحقوقی فوت مورث چیست ؟

۱. وارث مالک ما فی الذمه دین خود می شود .

۲. بین دین وارث و سهم الارث او از ترکه تهاتر رخ می دهد .

۳. سایر وراث می توانند دین را ازوارث بدهکار مطالبه نمایند .

۴. تمام موارد فوق

گزینه ۱ ، ماده ۳۰۰ ق.م در این مورد به طور قهری مالکیت ما فی الذمه رخ می دهد .

۵. با فوت مورِّثی که وارث به او مدیون است ...

۱. مالکیت ما فی الذمه رخ می دهد .

۲. درصورتی مالکیت ما فی الذمه رخ می دهد که وارث، ترکه را قبول نماید .

۳. درصورتی مالکیت ما فی الذمه رخ می دهد که وارث، ترکه را ردّ نماید .

۴. اثر حقوقی ندارد .

گزینه ۲ ، مواد ۳۰۰ ق.م و ۲۴۸ و ۲۵۴ و ۲۵۵ ق.ا.ح و ش ۱۴۴، ص ۱۹۶ کتاب .

۶. اگر موصی لَه، به موصی مدیون باشد و وصیت تملیکی را قبول نماید و موصی فوت نماید ؛ دراین صورت ...

۱. دین موصی لَه به سبب مالکیت مافی الذمه ساقط خواهد شد .

۲. دین موصی له به سبب تهاتر ساقط خواهد شد .

۳. موصی له همچنان مدیون خواهد بود .

۴. موصی له از سایر وراث طلبکار خواهد شد .

گزینه ۱ ، در این حالت، موصی لَه، مالک بدهی یا مافِی الذّمه خودش می شود زیرا ازیک سو طلبکار ازخودش به دلیل جانشینی درطلبی که به او هبه شده، می شود و بدهکار به خود می باشد. جمع شدن دو وصف طلبکار و بدهکار دریک شخص سبب مالکیت مافی الذمه می گردد. ش ۱۴۱، صص ۱۹۳ و ۱۹۴ کتاب .

۷. در صورتی که مضمونٌ عَنه «مالکِ ما فی الذمهِ خود» شود، این حادثه چه اثری در عقد ضمان دارد؟

۱. باعث برائت او وسقوط تعهد ضامن می شود.

۲. اثری در عقد ضمان ندارد.
۳. باعث برائت او می شود ولی ضامن همچنان مسئول است .
۴. موارد ۲ و ۳
گزینه ۱، ش ۱۴۳ ، ص ۱۹۵ کتاب .

۸. اگر مضمونٌ لَه از دنیا برود و ضامن وارث او باشد در این صورت ...

۱. مضمونٌ عَنه بری می شود. ۲. ضامن حق رجوع به مضمون عنه را دارد.
۳. ضامن حق رجوع به مضمون عنه را ندارد. ۴. ضامن ومضمون عنه هر دوبری می شوند.
گزینه ۲ ، ماده ۷۱۲ق.م. اگر مضمون له از دنیا برود و ضامن وارث او باشد در اینجا، ضامن، «مالکِ ما فی الذمهِ خود» شده و می تواند به مضمون عنه رجوع نماید . ش ۱۴۳ ، ص ۱۹۵ کتاب .

۹. مبنای حکم ماده ۷۱۲ ق.م که مقرر می دارد : « اگر مضمون له از دنیا برود و ضامن وارث او باشد، حق رجوع به مضمون عنه را دارد » چیست ؟

۱. چون مالکیت ما فی الذمه رخ داده است .

۲. چون تهاتر بین دین ضامن و مضمونٌ له رخ داده است .

۳. تنها دلیل آن حکم قانون است . ۴. هیچکدام

گزینه ۱، ش ۱۴۳ ، ص ۱۹۵ کتاب .

۱۰. اگر شخصی خانه پدر خود را اجاره نماید و پدر فوت نماید در این صورت ...

۱. مالک ما فی الذمه خود در خصوص پرداخت اجاره بها و حفظ عین مستاجره می شود.

۲. رابطه استیجاری تا پایان مدت به قوت خود باقی است .

۳. سایر وراث نیز قائم مقام پدردر رابطه با او می گردند .

۴. تمام موارد فوق .

گزینه ۴ ، مالکیت مافی الذمه درمورد عین معین نیز رخ می دهد مورد فوق نمونه ای از آن می باشد. ش ۱۴۳ ، ص ۱۹۴ و ۱۹۵ کتاب .

بخش هفتم – فسخ

۱. ماهیت حقوقی کدامیک از موارد زیر با بقیه متفاوت است :

۱. فسخ ۲. اِبراء ۳. اِعراض ۴. تهاتر

گزینه ۴، موارد زیر همه عمل حقوقی و از نوع ایقاع می باشند :

۱. وفای به عهد ۲. ابراء ۳. فسخ ۴. اعراض ۵. اسقاط حق ایراد مرور زمان ولی اقاله (ماده ۲۸۳) و تبدیل تعهد موضوع بند ۱ ماده ۲۹۲، ماهیت حقوقی مستقلی دارند. تهاتر نیز واقعه حقوقی قهری است . (ش ۱۴۹ ، ص ۲۰۲ کتاب و مباحث پیشین)

۲. اگر برای خیار شرط، مدت معین نشده باشد :

۱. خیار باطل است.

۲. عقد باطل است.

۳. خیار و عقد هر دو باطل است.

۴. خیار و عقد هر دو صحیح است.

گزینه ۳ ، ماده ۴۰۱ ق.م

۳. اگردرخیارشرط آغازمدت درعقد بیع ذکرنشده باشد ،این نقص چه اثری درعقد و شرط دارد ؟

۱. عقد و شرط باطل است . ۲. عقد نافذ وشرط غیرنافذ است .

۳. عقد نافذ و شرط خیارباطل است . ۴. عقد نافذ و ابتدای خیار از تاریخ عقد محسوب است.

گزینه ۴ ، ماده ۴۰۱ ق.م

۴. دلیل حکم ماده ۴۰۱ ق.م که مقرر می دارد : « اگر برای خیار شرط مدت معین نشده باشد هم شرط خیار و هم بیع باطل است. » چیست؟

۱. مجهول بودن مورد معامله

۲. مصداق شرط مجهولی می باشد که جهل به آن موجب جهل به عوضین است .

۳. احادیث مربوط به بطلان بیع غَرَری

۴. مورد ۱ و ۲

گزینه ۳ ، نظر اکثریت فقها و حقوقدانان آنست که دلیل بطلان چنین عقدی در ماده ۴۰۱ق.م، به دلیل مجهول بودن مورد معامله و تزلزل در مالکیت خریدار و فروشنده است زیرا معلوم نیست تا چه زمانی شخص حق فسخ دارد و ارزش واقعی مبیع یا ثمن در طول زمان کم یا زیاد می شود و مصداق بند ۲ ماده ۲۳۳ ق.م می باشد ولی وفق نظر مرحوم دکتر شهیدی و بر خلاف نظر اکثریت فقها و حقوقدانان دلیل بطلان چنین عقدی « احادیث مربوط به بطلان بیع غرری » که منتسب به پیامبر (ص) نظیر نهی النبی عن بیع الغَرَر می باشد زیرا ضرر احتمالی خریدار یا فروشنده با فسخ به استناد خیارغبن رفع می شود (ماده ۴۱۶ق.م) و نیازی به بطلان نیست و تنها مبنای بطلان آن احادیث مربوط به بطلان بیع غرری می باشد . (ش ۱۵۰، صص ۲۰۳ و ۲۰۴)

۵. اثر فسخ و انفساخ نسبت به ..... و اثر بطلان ..... می باشد .

۱. آینده – از ابتدای تراضی ۲. آینده – نسبت به گذشته

۳. گذشته – گذشته ۴. موارد ۱ و ۲

گزینه ۴ ، ش ۱۵۲، ص ۲۰۵ و ۲۰۶

۶. درحقوق فرانسه از قابلیت انفساخ و عدم نفوذ به ..... تعبیر شده است .

۱. بطلان ۲. بطلان نسبی ۳. بطلان مطلق ۴. حق فسخ مطلق

گزینه ۲، در حقوق فرانسه از قابلیت انفساخ و عدم نفوذ به « بطلان نسبی » تعبیر شده است و مانند حقوق ما بین عقد غیرنافذ مثل عقد اکراهی یا صغیرغیرممیز و عقد قابل فسخ مانند معامله قابل فسخ با خیارات تفاوت قائل نشده اند . (ش ۱۵۳، صص ۲۰۷ و ۲۰۸)

۷. کدام عبارت صحیح نیست :

۱. رد معامله فضولی نسبت به منافع اثر قهقرایی دارد .

۲. فسخ و انفساخ نسبت به آینده اثر دارد نه گذشته .

۳. در حقوق فرانسه نیز مانند حقوق ایران بین عقود قابل فسخ و غیرنافذ تفاوت وجود دارد.

۴. موارد ۱ و ۳

گزینه ۳ ، به استناد ماده ۲۵۸ ق.م و نظریه کشف حکمی، رد معامله فضولی نسبت به منافع اثر قهقرایی دارد. (ش ۱۵۳و ۱۵۴ ، صص ۲۰۷ و ۲۰۸ و ۲۰۹) عقد قابل فسخ با عقد غیرنافذ تفاوت مبنایی دارد. عقدی که با یکی ازخیارات امکان فسخ آن وجود داشته باشد قابل فسخ است ولی عقد غیرنافذ مانند عقود اکراهی و فضولی قابل تنفیذ یا رد می باشد. بنابراین هم « رد» با «فسخ » تفاوت دارد و هم « عقد قابل فسخ » با « عقدغیرنافذ» فرق دارد. اثر فسخ اصولاً نسبت به آینده است ولی رد معامله فضولی از ابتدا عقد را بلااثر می کند (ماده ۲۵۸ ق.م و نظریه کشف حکمی)

۸. کدام مورد در خصوص اسباب انحلال قرارداد صحیح است ؟ (وکالت ۱۳۹۴)

۱. امکان اقاله قرارداد مطابق قاعده نیست .

۲. بطلان قرارداد جزو اسباب انحلال قرارداد است .

۳. امکان فسخ قرارداد در عقود لازم خلاف قاعده نیست .

۴. انفساخ قرارداد قهری است و تنها ناشی از سبب قانونی نیست .

گزینه ۴ ، اقاله قرارداد اصولاً جزو اسباب انحلال قراردادها به حکم ماده ۲۸۳ ق.م است مگر دربرخی عقود نظیر نکاح و وقف و ضمان که اقاله اشان صحیح نیست (یادداشت ۳ ماده ۲۸۳) بطلان حالتی است که عقدی از اساس و منشاء باطل و فاقد یکی از ارکان عمومی (ماده ۱۹۰ ق.م) یا اختصاصی صحت قرارداد باشد . پس بطلان از اساس با انفساخ و انحلال متفاوت است . فسخ درعقود خلاف قاعده کلی مندرج در ماده ۲۱۹ ق.م یعنی اصل لزوم قراردادها و همچنین اصل ابقاء عقد مهما امکن می باشد پس گزینه های ۱ و ۲ و۳ اشتباه هستند ولی گزینه ۴ صحیح است چون اسباب انفساخ شامل : ۱. انفساخ قهری : الف – تلف مبیع قبل قبض(ماده ۳۸۷ ق.م) ب- انفساخ عقود اذنی با زوال ارده بواسطه حَجر و فوت(ماده ۹۵۴ ق.م) ، ۲. انفساخ به حکم تراضی یعنی شرط فاسخ تعلیقی می باشد(برای آگاهی بیشتر مراجعه شود به کتاب : محمد خاکباز، حقوق تعهدات کاربردی، بخش انحلال قراردادها)

مبحث هشتم- تلف مال مورد تعهد و نامکن شدن عمل مورد تعهد

۱. طبق نظر مولف کتاب سقوط تعهدات در توجیه ماده ۳۸۷ق.م که ضمان معاوضی قبل از قبض را بر عهده بایع می گذارد، از کدام تحلیل استفاده شده است :

۱. چون تعهد بایع به تسلیم عوض با تلف مبیع منتفی شده است تعهد به تسلیم مُعَوَّض وجود ندارد.

۲. تبادل واقعی دو مال ایجاب می کند که عِوَضِین تا زمان اجرای مفاد عقد باقی بمانند.

۳. چنین فرض می شود که مبیع در یک لحظه قبل تلف مال، از مالکیت منتقلٌ الیه(خریدار) خارج شده و به ملکیت ناقل(فروشنده) در آمده است و درملکیت فروشنده تلف شده است .

۴. تمام موارد مذکور.

گزینه ۳ ، موارد ۱ و ۲ وفق نظر برخی حقوقدانان چون مرحوم کاتوزیان صحیح است ولی طبق نظر مرحوم شهیدی از آنجا که مبیع به مجرد عقد به ملکیت خریدار در می آید دلیل اینکه قانونگذار درماده ۳۸۷ ق.م تلف قهری مبیع قبل قبض را بر عهده بایع گذاشته این است که از این فرض حقوقی استفاده فرموده اند که : « چنین فرض می شود که مبیع در یک لحظه قبل تلف مال، از مالکیت منتقلٌ الیه(خریدار) خارج شده و به ملکیت ناقل(فروشنده) در آمده است و درملکیت فروشنده تلف شده است.» (ش ۱۵۸، ص ۲۱۲ کتاب) در ماده ۳۸۷ ق.م مقرر داشته است :

« اگر مبیع قبل ازتسلیم بدون تقصیر و اهمال ازطرف بایع، تلف شود؛ بیع منفسخ و ثمن باید به مشتری مسترد گردد مگراینکه بایع برای تسلیم به حاکم یا قائم مقام او رجوع نموده باشد که در این صورت تلف از مالِ مشتری خواهد بود .»

۲. وفق نظر مرحوم دکتر شهیدی حکم ماده ۳۸۷ ق.م مخصوص :

۱. فقط بیع و مبیع است .

۲. در تمام عقود معاوضی جریان دارد.

۳. حکم عمومی و مطابق قاعده می باشد .

۴. موارد ۲ و ۳

گزینه ۱ ، ش ۱۵۸ . صص ۲۱۳ و ۲۱۴ . اگرچه طبق رعایت عدالت معاوضی این حکم عمومی و جاری در تمام مبادلات معوض است . (برای آگاهی بیشتر مراجعه شود به : محمد خاکباز، عدالت معاوضی و قاعده موازنه، ج۲)

۳. اصطلاح « ضَمانِ مُعاوضی» به چه معناست ؟

۱. تعهد فروشنده به رد ثمن در صورت مستحق للغیر درآمدن مبیع .

۲. ضمانت به مثل یا قیمت به موجب یکی از اسباب ضمان .

۳. انتقال دین مضمونٌ عنه به ضامن به موجب عقد ضمان .

۴. تعهد فروشنده به رد ثمن در صورت تلف قهری مبیع قبل از قبض

گزینه ۴ ، ماده ۳۸۷ ق.م. گزینه ۴ مصداق بارز ضمان معاوضی قبل قبض یا تسلیم است. (ش ۱۵۸، ص۲۱۱ کتاب) گزینه ۱ مصداق ضمان درک موضوع ماده ۳۹۰ ق.م است . گزینه۳ مقتضای عقد ضمان به استناد ماده ۶۹۸ ق.م است و گزینه ۲ ضمان قهری یا ضَمان به مثل و قیم به موجب مسئولیت مدنی قهری یا tort می باشد ولی از نظر دقیق حقوقی ازآنجا که ضمان درک در بیع فضولی که از طرف مالک رد شده است و مشمول عنوان بیع فاسد یا باطل واقع شده است نمی توان مصداق ضمان معاوضی یا قراردادی دانست .(برای توضیحات بیشتر مراجعه شود به : محمد خاکباز، عدالت معاوضی و قاعده موازنه، ج۲ ، بخش قاعده تلف مبیع قبل قبض)

۴. اگرمبیع بعد از انعقاد معامله وقبل ازتسلیم درتصرف بایع توسط مشتری تلف شود ...

۱- بیع باطل می شود . ۲- بیع به قوت خود باقی است .

۳- بیع منفسخ می شود . ۴- بیع قابل فسخ می گردد

گزینه ۲ ، اگرمبیع بعد از انعقاد معامله وقبل ازتسلیم درتصرف بایع توسط مشتری تلف شود . خود مشتری علیه خودش اقدام کرده و خودش باید تاوان این اقدام را متحمل شود(قاعده اقدام) بنابراین بیع به قوت خود باقی است و اگر ثمن را نپرداخته، مکلف است تا آنرا به فروشنده بپردازد. ش ۱۵۹ ، ص ۲۱۵ کتاب .

۵. ضَمان تلف مورد معامله در زمان خیار :

۱. همیشه برعهده فروشنده است .

۲. همیشه برعهده خریدار است .

۳. چنانچه متعاملین هر دو خیارفسخ داشته باشند برعهده بایع است .

۴. برعهده کسی است که خیارفسخ ندارد .

گزینه ۴ ؛ به استناد ماده ۴۵۳ ق.م . درمعامله همواره تلف بعد ازعقد برعهده کسی است که خیارفسخ ندارد چنانکه گفته اند : التلف فی زمن الخیار ممن لاخیار له . ولی اگرطرفین هر دو خیار فسخ داشته باشند تلف برعهده مشتری است

۶. اگرعمل مورد تعهد در عقود عهدی برای همیشه غیرمقدور گردد ...

۱. عقد منفسخ می گردد .

۲. عقد قابل فسخ ازناحیه متعهدله می گردد.

۳. عقد غیر نافذ است .

۴. عقد به قوت خود باقی است .

گزینه۱، اگر عمل مورد تعهد در عقود عهدی برای همیشه غیرمقدور گردد، عقد منفسخ مـی گـردد . (ش ۱۶۲، ص ۲۲۱ و ۲۲) این مورد در حکم تلف مبیع قبل قبض بوده و در حقوق انگلیس از آن با عنوان « دکتـرین یـا نظریـه فِراست رِی شِن یا عقیم شدن قرارداد» یاد می شود .

(FRUSTATION DOCTRINE)

بخش نهم– مرورِ زمان

۱. تعهد به پرداخت دینی که مشمول مرور زمان شده است ..... نام دارد .

۱. تعهد طبیعی ۲. تعهد اخلاقی ۳. تعهد قانونی ۴. مورد ۱ و ۲

گزینه ۳ ، **مرور زمان موجب سقوط حق و تعهد نیست** بلکه وسیله در دست خوانده است تا به وسیله آن ایـراد نماید و دعوای خواهان را غیرقابل استماع بداند و بهکار بردن اصطلاح تعهد طبیعـی یـا اخلاقـی دربـاره آن صـحیح نیست. شماره ۱۶۷ کتاب سقوط تعهدات .

۲. از نظر مولف کتاب سقوط تعهدات، کدامیک ازموارد زیر از اسباب سقوط تعهد نیست ؟

۱. ابراء ۲. تبدیل تعهد ۳. مرور زمان ۴. هیچکدام

گزینه ۳ ، مرور زمان نه وسیله سقوط تعهد است نه سقوط حق، بلکه وسیله ای است در دست خوانده تا از آن برای ایراد در برابر خواسته خواهان استفاده نماید .

۳. در خصوص مرور زمان کدام مورد صحیح نیست ؟ (فراگیر پیام نور۹۶)

۱. دادگاه نمی تواند راساً به استناد آن، قرار عدم استماع دعوی صادر کند.

۲. سبب سقوط تعهد می شود.

۳. حق اقامه دعوی را از بین می برد .

۴. مبنای آن نظم عمومی و ثبات اجتماعی است .

گزینه ۲ و ۳ هردو صحیح است ولی گزینه ۲ صحیح تر است . وفق نظر مرحوم دکترمهدی شهیدی :

۱. مرور زمان موجب سقوط حق و تعهد نیست بلکه وسیله در دست خوانده است تا به وسیله آن ایـراد نمایـد و دعوای خواهان را غیرقابل استماع بداند.

۲. اگر مرور زمان، اَماره یا نشانه ابراء یا اعراض حق شود، می توان سقوط تعهد را ثابت دانست.

۳. مبنای مرور زمان **نظم عمومی** است .

۴. **دادگاه راساً نمی تواند به مرور زمان استناد** نماید ولی در صورت ایراد خوانـده **قرار عدم اسـتماع دعـوا** صاد می کند و اگر ایراد مرور زمان نشود تا آخر رسیدگی به رسیدگی خود ادامه می دهد و حکم محکومیت خوانده را صادر می نماید.

۵. حق ایراد مرور زمان قابل اسقاط است . (سقوط تعهدات، ش ۱۶۶و ۱۶۷، ص ۲۲۶ تا ۲۲۸)

با این وجود بنظر می رسد گزینه ۳ هم صحیح باشد زیرا حق اقامه دعوا ازبین نمی رود بلکه حـق وجـود دارد ولـی مانع برای شنیدن دعوا وجود دارد پس بهتر بود گزینه ۳ حذف می گردید.

(